

بررسی تحلیلی منابع، علوم و روش‌های دخیل در روش‌شناسی میان‌رشته‌ای «دانش جریان‌شناسی» و واکاوی جایگاه آن‌ها

علی ابراهیم‌پور

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت راهبردی فرهنگ، دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری،
دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم. ایران.

montazer.mahdy@gmail.com

چکیده

«چندوجهی بودن» مسائل و موضوعات، مستلزم «چند بعدی شدن» رویکردها و زوایای مطالعه و تحقیق از لحاظ معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است؛ ازاین‌رو شناخت پدیده‌های پیچیده، جز در پرتو رهیافت‌های تلفیقی و میان‌رشته‌ای ممکن نیست. «جریان اجتماعی» نیز، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که هویتی چندوجهی دارد. چراکه مطابق تعریف برگزیده، جریان پدیده اجتماعی پویا و سیال با هویتی شبکه‌ای (=سیستمی) غیررسمی، متشکل از مجموعه اصول و فروض معرفتی (=نظام مشترک معنایی) است که جمعیتی نظام یافته (=مدیریت شده) براساس آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند. بنابراین، برای شناخت آن به‌صورت علمی و ارتقای جریان‌شناسی، از محصولی ژورنالیستی به دانش، نیازمند تنقیح روش‌شناسی آن هستیم.

مطالعات میان‌رشته‌ای، بینش‌های رشته‌ها و روش‌های تخصصی را در راستای فهم پدیده‌ای پیچیده به‌صورت منظم و روش‌مند به خدمت می‌گیرد. از جمله مراحل مهم فرایند این مطالعات انتخاب دانش‌ها و روش‌های بالقوه مرتبط با موضوع است تا محقق با بررسی آن‌ها به کفایت نظری در موضوع دست یابد. در صورتی که روش‌ها

و دانش‌های دخیل در شناخت ابعاد موضوع پیچیده به‌خوبی احصا و بررسی نشوند، نتیجه مطالعه نیز به همان نسبت ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

در این مقاله تلاش شده است با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، منابع، علوم و روش‌هایی که در فرایند مطالعه میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی به آن‌ها نیاز داریم احصا و بررسی شود و با نشان دادن جایگاه هر کدام در فرایند تحقیق قدمی در مسیر تنقیح روش‌شناسی جریان‌شناسی برداشته شود. مطابق این بررسی، جریان‌شناسی به علوم و منابع معرفتی نیازمند است که می‌توان آن‌ها را در سه دسته، «بسته الگویی»، «بسته محتوایی» و «بسته روشی»، تقسیم‌بندی کرد.

کلیدواژه‌ها: جریان، جریان‌شناسی، روش میان‌رشته‌ای، روش‌شناسی، مدیریت، روش تاریخی، جامعه‌شناسی معرفت.

مقدمه

مطابق معروف‌ترین و رساترین تعریف‌ها از میان‌رشته‌گی، «مطالعات میان‌رشته‌ای فرایند پاسخ به یک پرسش، حل یک مسئله یا مواجهه با یک موضوع است که گستردگی یا پیچیدگی آن به حدی است که نمی‌توان به‌درستی از طریق یک رشته علمی واحد با آن مواجه شد؛ این فرایند از دیدگاه‌های چند رشته علمی سود جسته و بصیرت‌های حاصل از این رشته‌ها را به منظور ایجاد فهمی جامع‌تر یا پیشرفت شناختی تلفیق می‌کند»^۱ (آلن رپکو، ۱۳۹۶: ص ۲۹؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: ص ۳۱؛ متین، ۱۳۹۲: ص ۱۱۱).

موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای موضوعی «پیچیده» است. پیچیدگی را می‌توان «مطالعه رفتار سیستم‌ها» تعریف کرد. از همینجاست که مفهوم «سیستم» موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای قرار می‌گیرد. پیچیدگی در حوزه میان‌رشته‌ای بدین معناست که یک مسئله دارای اجزای متعددی است و هر جزء ماهیت رشته‌ای متفاوتی دارد. به‌طورکلی پیچیدگی مفهومی کلیدی در تعریف معاصر از میان‌رشته‌گی است. در واقع ماهیت سیستم‌های پیچیده، توجیهی منطقی برای میان‌رشته‌گی ارائه می‌دهند. بنابراین، موضوع میان‌رشته‌ای مسئله‌ای است که: ۱. پیچیده است؛ ۲. حداقل دو رشته درباره آن اظهارنظر کرده‌اند؛ ۳. هیچ‌کدام از رشته‌ها قادر نیستند به‌تنهایی درکی جامع از آن ارائه

۱. از نظر تاریخی، تعریف قدیمی آکادمی علوم آمریکا از میان‌رشته‌گی جزو قدیمی‌ترین تعاریف است. تعریف فوق ویرایش و به‌روزرسانی آلن رپکو و دیگر میان‌رشته‌ای‌پژوهان از آن تعریف است.

دهند (آلن رپکو، ۱۳۹۶: ص ۲۵۶؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: صص ۳۴، ۲۰۳، ۲۰۵). از طرف دیگر مفهوم «جریان‌شناسی» و «جریان» از مفاهیم جدید و پرتکرار در فضای فکری و سیاسی دهه‌های اخیر، پس از انقلاب اسلامی‌اند؛ امروزه دیگر برای اندیشمندان عرصه‌های فکر، فرهنگ و سیاست «جریان» و «جریان‌شناسی» واژه‌هایی غریب نیستند. این مفاهیم با قیدها و پسوندهای مختلف «فکری»، «فرهنگی»، «سیاسی» و برخی قیود خاص‌تر رواج یافته و جلسات متعددی با این موضوعات برگزار شده و می‌شود. محققین مختلف، با الگوهای نظری و خلاقیت‌های شخصی متفاوت، پدیده‌های تاریخی، فکری و اجتماعی را توضیح می‌دهند و به مقوله‌بندی اندیشه‌ها و طبقه‌بندی کنش‌گران فرهنگی و تبیین پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند و به نوعی مسیر تاریخ و جامعه را ترسیم می‌کنند.

معرفت برآمده از جریان‌شناسی ادبیاتی پرجاذبه و پرنفوذ دارد و این باعث شده توسعه ادبیات جریان‌شناسی، با سرعت بالایی، ادامه پیدا کند. اما چالش اصلی اینجاست که نوپدید بودن این مباحث در جامعه امروز ایران و کثرت مدعیان این حوزه و عدم تنقیح مبانی، منطق و روش این مباحث، سوءتفاهم‌ها، تشتت آراء و درهم‌ریختگی معرفتی را به دنبال داشته است و مخاطبان را دچار سردرگمی و تحیر کرده است. این تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها به قدری است که جریان‌شناسی مخالفان و موافقانی جدی در میان اندیشوران پیدا کرده است.

بدیهی است که حل مشکل جز در پرتو نگاه درجه دومی به «جریان‌شناسی» به دست نمی‌آید. اگر بخواهیم از این تشتت‌ها و سوءتفاهم‌ها رهایی یابیم، به نظر می‌رسد لازم است تا جریان‌شناسی موضوع مطالعه‌ای دقیق و مستوفی قرار گیرد تا از این طریق، این دسته از معرفت‌ها را در جایگاه واقعی‌اش قرار دهیم، ارزش و روش آن را روشن کرده و منطق و الگویی مشخص و متناسب برایش توصیه کنیم. بدین منظور ناگزیریم کار علمی و دقیقی روی نفس جریان‌شناسی انجام دهیم.

مقاله «بررسی تحلیلی نظریه‌های مطرح در مفهوم‌شناسی «جریان» و «جریان‌شناسی»» قدم اول این کار را برداشته و با بررسی تحلیلی نظریات مطرح درباره مفهوم جریان و جریان‌شناسی و نقد و بررسی آن‌ها، بستر ارائه تعریفی جامع و منتخب از جریان و جریان‌شناسی را فراهم کرده و در پایان تعریفی مختار از جریان ارائه داده است. مطابق این تعریف، جریان حقیقتی اجتماعی پویا و زنده است که در متن جامعه حیات دارد. این حقیقت از ابعادی تشکیل شده است که به صورت نظام‌وار با یکدیگر در ارتباط‌اند و هویتی سیستمی به جریان می‌بخشند. مطابق آن تحقیق، «جریان پدیده اجتماعی پویا و سیال با هویتی شبکه‌ای (=سیستمی) غیررسمی، متشکل از مجموعه اصول و فروض معرفتی (=نظام مشترک معنایی) است که جمعیتی نظام یافته (=مدیریت شده) بر اساس

آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند». همچنین مطابق بررسی صورت گرفته در آن مقاله، هرچند مشابه تولیدات جریان‌شناسانه فعلی، تحقیقاتی هم در غرب و هم در تراث بومی ما دیده می‌شود، اما جریان‌شناسی، آنگونه که امروزه در کشور ما رایج شده است، امری نو و بدیع و جدید است و سابقه ندارد (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷ الف).

در راستای تلاش علمی جهت برطرف کردن تشتت‌ها و سوءتفاهم‌های موجود درباره هویت جریان‌شناسی، مقاله «تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی- معرفتی «جریان» به مثابه موضوع دانش جریان‌شناسی»، برای تثبیت هویت دانشی «جریان‌شناسی» کوشیده است. بدین معنا که جریان‌شناسی نه یک سری گزاره‌های متفرق و تبلیغاتی- ژورنالیستی، بلکه دانشی میان‌رشته‌ای با روش‌شناسی خاص خود است. این دانش که موضوع «رنالیسم معرفتی» را پشتوانه معرفت‌شناختی خود قرار داده است، در سنت حکمت اسلامی تعریف می‌شود. با توجه به انضباط‌های حاکم بر این سنت نظری، علوم به موضوع خود تعریف می‌شوند. براین اساس جریان‌شناسی دانشی است که درباره جریان (اجتماعی) بحث می‌کند (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷ ب).

مطابق تعریفی که از جریان بیان شد، جریان یکی از سیستم‌های اجتماعی است و پیچیدگی در ذات آن وجود دارد؛ بنابراین، جریان‌شناسی جز از طریق رهیافت میان‌رشته‌ای و تلفیقی حاصل نمی‌شود. لذا لازم است برای جلوگیری از آسیب‌ها و حل مشکلات ادبیات جریان‌شناسی، فرایند جریان‌شناسی به صورت علمی منقح شود تا جریان‌شناسی بتواند به منزله یک دانش رشد و ارتقا یابد.

در این مقاله تلاش شده است، قطعه‌ای از پازل این فرایند روشن شود. بدین منظور با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای علوم و روش‌های دخیل در این فرایند را احصا نموده، روش مطالعه میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی جایگاه هرکدام را روشن سازد.

جایگاه رشته‌ها و روش‌های تخصصی در فرایند عام مطالعات میان‌رشته‌ای

هر دانش تخصصی از زاویه دید خاصی به جهان می‌نگرد و براساس آن زاویه نگاه اشیاء را می‌شناسد. به عبارتی، تمامی علوم و دانش‌های تخصصی موجودات جهان هستی را از جنبه خاصی بررسی می‌کنند که آن جنبه همان حیثیت خاصی از موضوع آن‌هاست (ابن سینا، ۱۴۰۴: صص ۱۶-۳؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: صص ۱۵۰-۹۱؛ مطهری، ۱۳۷۷ الف: صص ۱۳۱؛ همو، ۱۳۷۷ ب:

صص ۲۴۰-۲۵۵).^۱ اما موضوع مطالعات میان‌رشته‌ای، پدیده‌های پیچیده‌اند... بنابراین به صورت خلاصه می‌توان موضوع را سیستم‌های پیچیده دانست که ذاتاً هویتی چندوجهی و چندبعدی دارند (آلن رپکو، ۱۳۹۶: ص ۱۲۱؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: صص ۳۴ و ۲۰۳).

مطالعه میان‌رشته‌ای، رویکرد و روشی در عرض مطالعات تخصصی و رشته‌ای نیست، بلکه هر مدل میان‌رشته‌ای در دل خود از تعدادی روش و دانش تخصصی بهره می‌گیرد. راه میان‌رشته‌ای از رشته‌های تخصصی می‌گذرد. به عبارتی، پژوهشگر میان‌رشته‌ای پدیده چندوجهی را از زوایای رشته‌های مختلف بررسی می‌کند و هر بعد از آن را از طریق رشته‌ای خاص رمزگشایی می‌کند و از تاریکی به روشنایی می‌آورد (آلن رپکو، ۱۳۹۶: صص ۱۷۸، ۱۹۳-۱۹۴؛ خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۶: صص ۳۶، ۳۸، ۷۷، ۱۰۰-۹۹، ۵۲۸؛ برازو، ۱۳۸۷: ص ۷۰؛ فوردمن، ۱۳۸۷: ص ۲۵۸؛ مورن، ۱۳۸۷: صص ۲۵۳-۲۵۲؛ متین، ۱۳۸۸: صص ۱۱۳-۱۱۲؛ فرامرز قراملکی و سیاری، ۱۳۸۹: ص ۷۹).

به طور خلاصه می‌توان گفت در مطالعه میان‌رشته‌ای، از سیستم پیچیده به شبکه مسائل و از شبکه مسائل به مدل سیستمی حرکت می‌کنیم. از این رو سیر حرکت میان‌رشته‌ای پژوهی حرکت از وحدت به کثرت و سپس از کثرت به وحدت است. از سیستم که کل واحد است، مجموعه‌ای از مسائل تولید می‌شود و به کثرت می‌رسد. در این مرحله علوم جزئی و تخصصی به میان آمده و پاسخ تک گزاره‌ها احصا و تحقیق می‌شود تا تحقیق به کفایت بینشی در رشته‌های تخصصی دست یابد. سپس در مرحله بعد، گزاره‌های کثیر جزئی به دست آمده، براساس منطقی سیستم‌ها نظریه پردازی شده و به تلفیق و انسجام می‌رسند و در قالب ارائه مدل، سیستم به وحدت خود باز می‌گردد. بر همین اساس، می‌توان فرایند مطالعه میان‌رشته‌ای را اینگونه تصویر کرد:^۲



نمودار ۱ - فرایند مطالعه میان‌رشته‌ای

۱. درباره اینکه هر علمی از حیث خاصی به واقعیت تقریب پیدا می‌کند و جهت خاصی از جهات اشیاء را می‌کاود، حکمای اسلامی به صورت مفصل بحث و گفت‌وگو کرده‌اند. ارجاعات مطروحه، نمونه است.
۲. آلن رپکو نیز در صفحه ۴۵ کتاب «پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند»، با نموداری شبیه نمودار فوق، با عباراتی متفاوت، به سه جزء از اجزای این نمودار اشاره می‌کند.

بنابراین مطالعه میان‌رشته‌ای سیری از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت دارد؛ سیر از وحدت موضوع به کثرت مسائل و دانش‌ها و بهره‌مندی از روش‌های تخصصی متناسب و سپس سیر از کثرت اطلاعات به وحدت فهم میان‌رشته‌ای. در این فرایند، رسیدن به حد کفایت بینشی و نظری در رشته‌های تخصصی، نقطه پایانی سیر از وحدت به کثرت است و نقطه آغاز فرایند تلفیق و ترکیب محسوب می‌شود. کفایت بینشی بدین معناست که «به اندازه کافی در مورد رشته در نظر گرفته شده بدانیم تا درکی پایه از رویکرد آن رشته به مسئله و اینکه چه بینشی در مورد آن ارائه می‌دهد به دست آوریم» (آلن رپکو، ۱۳۹۶: صص ۳۱۹ و ۳۵۸).

محقق میان‌رشته‌ای، بعد از طراحی شبکه مسائل موضوع خویش، به سراغ «رشته‌های بالقوه مرتبط» می‌رود. منظور از رشته‌های بالقوه مرتبط، دانش‌هایی است که پدیده بررسی شده را در حیطه پژوهشی خود جای می‌دهند؛ هرچند بالفعل درباره آن حرفی نزنند باشند، نظریه‌ای ارائه نکرده باشند و یا کتاب و مقاله‌ای نوشته باشند (همان: ص ۲۷۲). به عبارتی، محقق باید بررسی کند متغیرها و مسائل موضوع، در کدام دانش‌ها قابل بررسی‌اند. احصاء و سپس انتخاب همه یا تعدادی از دانش‌های مرتبط و دخیل در موضوع، خود گامی مهم در موفقیت مطالعه میان‌رشته‌ای است و نیازمند تصمیم‌گیری هوشمندانه محقق است. پس از این مرحله، محقق میان‌رشته‌ای به سراغ علوم و روش‌های مرتبط می‌رود و اطلاعات و نظریه‌های مرتبط با شبکه مسائل را جمع‌آوری می‌کند.

بنابراین، بررسی دانش‌ها و روش‌های تخصصی دخیل در شناخت موضوع، از مراحل مهم مطالعه میان‌رشته‌ای و جامع پدیده به‌شمار می‌آید. بدون این مرحله - که جزئی از گام دوم نمودار بالا محسوب می‌شود - اطلاعات کامل جمع‌آوری نمی‌شود و مطالعه جامع و کارآمد حاصل نخواهد شد.

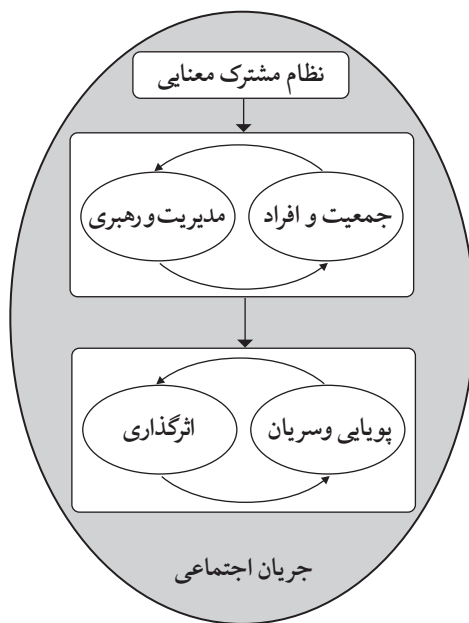
شبکه متغیرهای جریان اجتماعی

مطابق تعریفی که از جریان ارائه شد، هویت اجتماعی، نظام مشترک معنایی، سیلان و پویایی (حرکت)، جمعیت و افراد، مدیریت و رهبری، اثرگذاری، عدم رسمیت و ناآگاهی و هویت شبکه‌ای ارکان و ابعاد جریان معرفی شدند. براساس توضیحاتی که داده شد، هویت شبکه‌ای، به منزله جنس بعید جریان است و روح حاکم بر ارکان آن را معرفی می‌کند و اجتماعی بودن، جنس قریب آن. بنابراین، جریان را می‌توان سیستم اجتماعی باز ارگانیک دانست و آن را اینگونه تعریف کرد: «جریان، سیستم باز اجتماعی پویا و متحرک غیررسمی ارگانیک هدف‌مند یا آرمان‌مند است که از

مجموعه اصول و فروض معرفتی تشکیل شده که جمعیتی نظام‌یافته براساس آن عمل می‌کنند و اثر می‌گذارند» (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۷ ب).

در این میان، «هویت شبکه‌ای» به روح حاکم و ساختار جریان اشاره دارد و منطق مواجهه و تحلیل آن را مشخص می‌کند و «غیررسمی» بودن به نوع فعالیت جریان اشاره دارد. همچنین «هویت اجتماعی»، «سیلان و پویایی» و «مدیریت و رهبری» عناوینی ثانوی و تأکیدی هستند. بنابراین، در روش‌شناسی بیشتر از همه بر سه رکن «نظام مشترک معنایی»، «جمعیت و افراد» و «اثرگذاری» ناظر هستیم و در این میان نیز «نظام مشترک معنایی» و «اثرگذاری» از مابقی پراهمیت‌ترند.

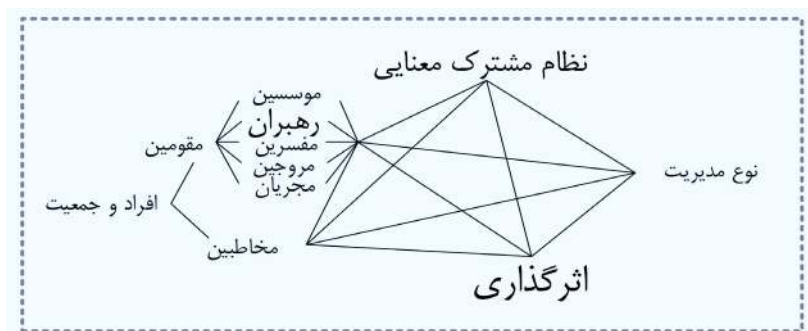
بنابراین، جریان سیستمی منسجم و سازمان‌یافته، اما غیررسمی (و عموماً ناآگاهانه)، از ارکانی است که از اصول و فروض مشترک میان افراد آغاز می‌شود و به جمعیت و افراد هویت و معنایی جدید می‌بخشد. متناسب با این اصول و فروض مدیریتی بر افراد شکل می‌گیرد که افراد را - متناسب با محیط - به سمت اثرگذاری هدایت می‌کند. و این ارتباط چند سویه ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که جریان بمیرد.



نمودار ۲ - ترابط اجزای درونی جریان در ساحت عمل

جریان به مثابه سیستم، یک «کل» است که از «اجزاء مرتبط و منسجم» تشکیل شده است. هویت سیستمی جریان مشخص می‌کند که هیچ عاملی را نمی‌توان جدا از دیگر عوامل شناخت. جریان از آن حیث که هویتی سیستمی و شبکه‌ای دارد، متشکل از عناصری است که هر عنصر بر

دیگر عناصر تأثیر می‌گذارد و متقابلاً از عناصر دیگر تأثیر می‌پذیرد (اسکات، ۱۳۹۳: ص ۴۳).
باتوجه به این توضیحات، می‌توان شبکه متغیرهای جریان را این چنین تصویر کرد:



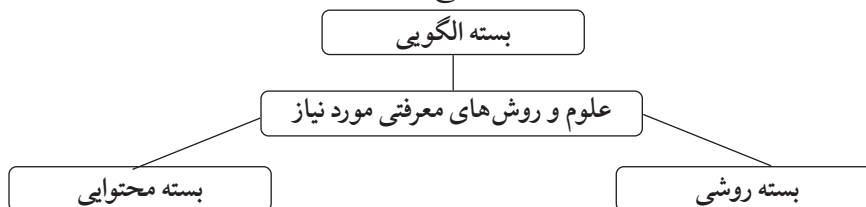
نمودار ۳ - روابط میان ارکان یک جریان اجتماعی

براساس آنچه در فرازهای قبل بیان شد، در فرایند مطالعه میان‌رشته‌ای جریان‌های اجتماعی، یکی از بزرگ‌های مهم شناسایی علوم و روش‌های مرتبط و دخیل در شناخت جامع این متغیرها و روابط آن است.

دانش‌ها و روش‌های دخیل در جریان‌شناسی

در روش میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی، بعد از تولید شبکه مسائل جریان که قدم اول شناخت عمیق است و به منزله موضوع و مسئله‌شناسی تحقیق عمل می‌کند، نوبت به انتخاب دانش و روش‌هاست. در این مرحله، الگوی مطالعه میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی، شبکه‌ای از دانش‌ها و روش‌های دخیل و مرتبط با مسائل و متغیرهای جریان را معرفی و توصیه می‌کند.

به‌طورکلی، روش‌ها، علوم و منابع معرفتی که در جریان‌شناسی به آن‌ها نیاز است را می‌توان در سه دسته تقسیم کرد: «بسته الگویی»، «بسته محتوایی» و «بسته روشی». جریان‌شناس با تسلط بر علوم بسته الگویی و اشراف بر ابزارهای بسته روشی سراغ منابع بسته محتوایی می‌رود و گزاره‌های معرفتی را، که در جریان‌شناسی نیاز دارد، استخراج می‌کند.

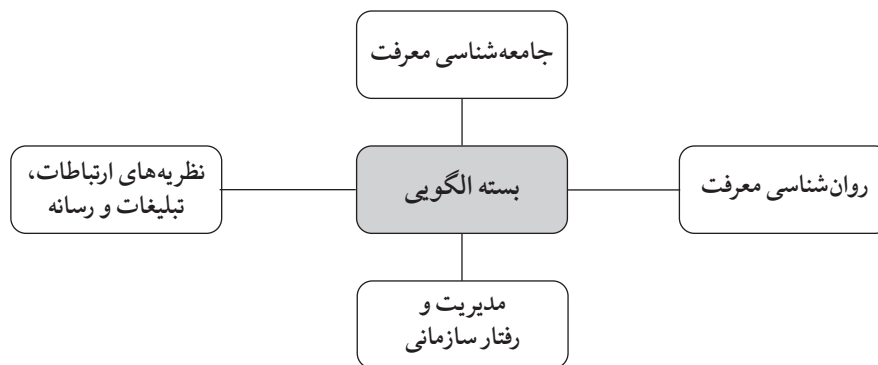


نمودار ۴ - معرفی اجمالی بسته‌های معرفتی دخیل در جریان‌شناسی

۱. بسته الگویی

بسته الگویی به مجموعه دانش‌هایی اطلاق می‌شود که محتوای آن‌ها در روند جریان‌شناسی، نقش الگو و قالب‌های کلی را ایفا می‌کند. جریان‌شناسی، در مقایسه با این دانش‌ها، مصرف‌کننده است. در واقع این دانش‌ها، کبراهای حاکم بر ابعاد جریان را در اختیار جریان‌شناس می‌گذارند. جریان‌شناس با دانستن این کبراهای، هنگامی که سراغ منابع (بسته محتوایی) می‌رود، صغراها و مصادیق کبراهای بسته الگویی را جست‌وجو می‌کند. به عبارتی، دانش‌های بسته الگویی، روابط برخی متغیرهای جریان را به صورت عام بررسی می‌کنند؛ بنابراین، در جریان‌شناسی آن‌ها نقش دانشی خرد و مصرف‌کننده دارند.

اصلی‌ترین دانش‌های بسته الگویی، عبارت‌اند از «جامعه‌شناسی معرفت»، «روان‌شناسی معرفت»، «مدیریت و رفتار سازمانی» و «نظریه‌های ارتباطات، تبلیغات و رسانه».



نمودار ۵- معرفی علوم بسته الگویی

۱-۱. جامعه‌شناسی معرفت (و علم)

جامعه‌شناسی معرفت^۱ در معنای کلی و عام آن، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که رابطه فکر و جامعه را مطالعه می‌کند (گلیوور و دیگران، ۱۳۸۸: صص ۱۳-۱۲). در جامعه‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسان به دنبال کشف ارتباط میان دو نوع از پدیده‌های اجتماعی‌اند. در یک سوی این رابطه، معرفت (انواع مختلف نظام‌های فکری، اندیشه و فرهنگ، فرآورده‌های ذهنی، معرفت علمی، معرفت دینی، معرفت فلسفی، معرفت سیاسی، معرفت حقوقی، هنر و ...) به منزله پدیده‌ای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و در جانب دیگر شرایط اجتماعی وجودی (عوامل نهادی، ساختی،

شخصیتی، فرهنگی سیاسی و...) قرار دارد. جامعه‌شناسی معرفت می‌خواهد چگونگی این ارتباط را دریابد و فرایندی را که از طریق آن انواع معرفت شکل می‌گیرد و ثبات و تحول می‌یابد بررسی کند (کوزر و دیگران، ۱۳۸۹: صص ۱۱، ۳۱؛ مانهایم، ۱۳۸۰: صص ۳۴۰، ۳۶۱-۳۴۳؛ مولکی، ۱۳۸۹: صص ۱۱-۱۲؛ اژدری‌زاده، ۱۳۹۰: صص ۳۰-۲۶؛ علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۲۶). در واقع این مطلب که چگونه معرفت به لحاظ اجتماعی تشخیص و تعیین می‌یابد، همان است که به مسئله «تعیین اجتماعی معرفت» موسوم است و مسائل اصلی، و بلکه هسته مرکزی، مباحث جامعه‌شناسی معرفت را تشکیل می‌دهد (اژدری‌زاده، ۱۳۹۰: صص ۳۰-۲۹؛ علیزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ص ۲۶). جامعه‌شناسی معرفت این مسئله را تحلیل می‌کند که چرا گروه‌های گوناگون، در دوره‌های خاص و تحت شرایط ویژه، بیشتر احتمال دارد که با مسائل و معضلات معینی درگیر باشند و اینکه چرا آنان احتمالاً با دیدگاه‌های خاصی دست‌وپنجه نرم می‌کنند (توکل، ۱۳۷۰: ص ۱۳۴). اگر بخواهیم موضوع جامعه‌شناسی معرفت را به طور خلاصه بیان کنیم، باید بگوییم جامعه‌شناسی معرفت، دانشی است که «ابعاد اجتماعی علم و معرفت» را بررسی می‌کند.^۱ نمونه‌ای از سؤالاتی که جامعه‌شناسی معرفت (و علم) با آن مواجه است به این شرح‌اند: کدامیک از عوامل فرهنگی و اجتماعی، به چه میزان بر فراورده‌های ذهنی اثر می‌گذارند؟ چه ارتباطی میان تأثیرات فرهنگی و اجتماعی و فراورده‌های ذهنی وجود دارد؟ این تأثیرات تمام فراورده‌های ذهنی را شامل می‌شود یا فقط بخشی از آن‌ها را و همچنین، این تأثیرات از طرف بخشی از عوامل فرهنگی و اجتماعی است یا تمامی آن‌ها؟ (مولکی، ۱۳۸۹: صص ۱۳-۱۲)

واضح است که این سؤالات -خصوصاً دو سؤال اول- از مجموعه پرسش‌های شبکه‌مسائل جریان‌شناسی است. آشنایی با این دانش، در فهم ارتباطات میان نظام مشترک معنایی جریان و عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی شکل‌دهنده و مؤثر بر آن تأثیرگذار است (خسروپناه، ۱۳۹۲). جریان‌شناس با اطلاع از روابط میان این دو متغیر، هنگام مطالعه تفصیلی جریان، به کشف مصادیق آن‌ها می‌پردازد.

۱-۲. روان‌شناسی معرفت

فعالیت‌های شناختی و رفتارهای حرفه‌ای دانشمندان، یا هر کنشگر خلاق، که منجر به تولید فراورده‌های معرفتی می‌شود، در خلأ صورت نمی‌پذیرند. اندیشوران، همچون انسان‌های دیگر،

۱. لازم به ذکر است که «معرفت‌شناسی اجتماعی» عنوان دانشی است که گاهی معادل «جامعه‌شناسی معرفت» استعمال می‌شود. برای نمونه ر.ک: گلدمن، ۱۳۹۵: ص ۱۱.

در یک متن زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی زندگی و کار می‌کنند. آن‌ها شجره‌نامه دارند و خصوصیات و صفات زیستی خود را از خانواده خویش به ارث می‌برند، در محیط خانواده رشد می‌کنند و از آن تأثیر می‌پذیرند، خصوصیات شخصیتی ویژه‌ای پیدا می‌کنند، هیجان‌ها و انگیزش‌ها بر آن‌ها تأثیرات عمیقی برجای می‌گذارند و حتی هنگامی که در مقام دانشمندان صاحب‌نام و با تجربه در آزمایشگاه‌های شان و یا در کتابخانه به فعالیت علمی مشغول می‌شوند، موجوداتی متأثر از حضور همکاران و رفتارهای ارزیابانه آن‌ها هستند. محیط زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی احاطه‌کننده دانشمند به‌وضوح رفتار علمی او را مشروط می‌سازد و تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف اصلی روان‌شناسی علم شناخت دقیق این تأثیرات و مکانیسم‌های تأثیرگذاری است (موسوی، ۱۳۹۰: ص ۲).

روان‌شناسی علم و معرفت، قلمرویی نوظهور از علم‌پژوهی است که علم روان‌شناسی را برای مطالعه رفتارهای معرفتی اندیشوران به خدمت می‌گیرد (همان: ص ۱۰). در واقع روان‌شناسی علم از یک‌سو در عرض حوزه‌های دیگر علم‌پژوهی همچون فلسفه علم، تاریخ علم، جامعه‌شناسی علم و اقتصاد علم قرار دارد و از دیگر سو، ریشه‌های خود را در دامن مادر خویش، یعنی علم روان‌شناسی، می‌جوید. روان‌شناسی علم با بهره‌گیری از محتویات سنتی موجود در جعبه‌ابزار قلمرو بزرگ‌تر روان‌شناسی، به بررسی ریشه‌های عصب‌شناختی، خانوادگی، شخصیتی و عوامل خرد اجتماعی مؤثر بر عملکرد علمی - معرفتی اندیشوران می‌پردازد و می‌کوشد فرایندهای متنوع درگیر در ذهن آنان را با استفاده از مدل‌های شناختی توصیف کند (همان: ص ۲۲).

روان‌شناسی معرفت، الگوهای کلان ارتباط میان نظام مشترک معنایی جریان و متغیرهای روان‌شناختی را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهد. به پشتوانه این دانش می‌توان در جریان‌شناسی به این سؤالات پاسخ داد که چه ارتباطی میان آن نظام معنایی خاص با محیط و ویژگی‌های شخصی جمعیت جریان وجود دارد؟ چه عوامل خانوادگی و ارثی یا ژنتیکی مؤسس جریان را بر آن داشته تا جریانی با چنین اصول و فروض معرفتی تأسیس کند؟ بنابراین از جمله دانش‌های بسته الگویی جریان‌شناسی، روان‌شناسی علم و معرفت است (خسروپناه، ۱۳۹۲).

۱-۳. دانش مدیریت و رفتار سازمانی

«سازمان»^۱ از مفاهیم نزدیک به مفهوم جریان است. در تعریف سازمان آورده‌اند: «سازمان پدیده‌ای

1. Organization

است اجتماعی که آگاهانه هماهنگ شده و دارای حد و حدود نسبتاً مشخصی است و تقریباً به طور مداوم برای تحقق یک هدف مشترک یا مجموعه‌ای از اهداف فعالیت می‌کند» (رابینز، ۱۳۹۶: ص ۲۲؛ رضائیان، ۱۳۹۵: ص ۱۱). گسست مفهوم سازمان از مفهوم جریان - چنان که برخی مؤلفان به آن اشاره کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۰: ص ۱۲) - در عنصر رسمیت و آگاهی است. سازمان اساساً هویتی رسمی دارد و می‌کوشد آگاهانه افراد را به خدمت بگیرد؛ اما جریان ذاتاً ژله‌ای است و از رسمیت اِبا دارد.

مدیریت عبارت است از عمل‌هایی که به صورت آگاهانه و مستمر، برای هماهنگی کوشش‌های اعضا انجام شده، و به سازمان، برای رسیدن به اهداف، شکل می‌دهد (الوانی، ۱۳۸۸: ص ۱۱). مدیر^۲ در هر سازمان، فردی است که وظیفه او به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل براساس اهداف و نظام ارزشی قابل قبول از سوی سازمان است (رضائیان، ۱۳۸۴: ص ۷؛ همو، ۱۳۹۵: ص ۸). براین اساس، «مدیریت» دانشی است که از سازمان و مدیریت آن بحث می‌کند. شیوه‌های سامان‌دهی، هماهنگی، خط‌مشی‌دهی، نظارت، کنترل و سطوح و انواع مدل‌های مختلف مدیریت و رهبری از جمله مباحثی است که در این دانش بررسی می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۵: ص ۱۵).

علم مدیریت و دانش‌های زیرمجموعه‌اش دارای مباحثی هستند که می‌توانند به منزله الگوهای برای فهم جریان به کار روند و برخی از قواعد کلی حاکم بر برخی متغیرهای جریان را در اختیار جریان‌شناس قرار دهند. مهم‌ترین این مباحث عبارت‌اند از شیوه‌های رهبری، شیوه‌های تعامل و ارتباط با محیط، عوامل مؤثر بر رفتار افراد.

هدایت از وظایف اصلی مدیر و رهبری از بخش‌های مهم وظیفه هدایت است. رهبری فعالیت‌هایی است که جمعیت یا یک گروه را، برای تلاش مشتاقانه جهت رسیدن به اهدافی معین، ترغیب می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۴: ص ۲۲۲؛ الوانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۱؛ رضائیان، ۱۳۸۷: ص ۳۷۵؛ رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۴۱۵-۴۱۴). براین اساس، رهبری مستلزم «نفوذ کردن»^۳ و «اثرگذاری بر افراد» است (الوانی، ۱۳۸۸: ص ۱۴۲). طریقی که رهبر از نفوذش برای رسیدن به اهداف استفاده می‌کند، سبک رهبری نامیده می‌شود. یکی از مباحث

1. Management

2. Manager

۳. این قید، تا آنجا در تعریف رهبری اهمیت دارد که برخی معتقدند، اساساً «رهبری، فراگرد نفوذ است» (رضائیان، ۱۳۸۷: ص ۳۷۵).

دانش مدیریت، بررسی الگوهای رهبری است که مطالعات زیادی درباره آن صورت گرفته است. نظریه‌های رفتار رهبری و اقتضایی و دیگر تقسیم‌بندی‌های مربوط به سبک‌های رهبری، دورنمایی از انواع و حالات رهبری در اختیار جریان‌شناس می‌گذارد و می‌تواند براساس آن‌ها، رهبری جریان را تحلیل و مطالعه کند^۱ (الوانی، ۱۳۸۸: صص ۱۵۵-۱۴۴؛ رضائیان، ۱۳۸۴: صص ۲۳۰-۲۲۴؛ همو، ۱۳۹۵: صص ۴۸۲-۴۶۹؛ همو، ۱۳۸۷: صص ۴۰۵-۳۸۰؛ رایینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۴۲۹-۴۱۸، ۴۶۰-۴۳۸).

از مباحث مهم در نظریه‌های سازمان و مدیریت، اصول مدیریت محیط و راهبردهای تعامل با آن است. جریان از آن‌جا که در معنی سیستمی بازتعریف شد، حیات خود را در گروی تعامل سازنده و پایدار با محیط می‌بیند؛ بنابراین، این بحث از دانش نظریه‌های سازمان و مدیریت، کاربرد فراوانی در رفتارشناسی جریان خواهد داشت. برای نمونه، راهبردهای سازمان در مواجهه با محیط، به دو دسته، راهبردهای داخلی و راهبردهای خارجی، تقسیم می‌شوند. راهبردهای داخلی می‌کوشند از طریق تطبیق و تغییر اقدامات و فعالیت‌ها تناسب با محیط را ایجاد کنند و راهبردهای خارجی این هدف را در تغییر محیط می‌جویند (رایینز، ۱۳۹۶: ص ۳۶۷). انتخاب قلمرو، جذب و استخدام، کنکاش محیطی، ایمن‌سازی، یکنواخت‌سازی، سهمیه‌بندی و پراکندگی جغرافیایی، نمونه‌های راهبردهای داخلی تعامل با محیط است (رایینز، ۱۳۹۶: صص ۳۷۳-۳۶۸). تبلیغات، مذاکره (رایینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۵۲۴-۵۱۵)، قرارداد، تصاحب و نمک‌گیر کردن، ائتلاف‌سازی و نفوذ به دستگاه‌های حکومتی و قانون‌گذاری، نمونه‌ای از راهبردهای خارجی تعامل با محیط محسوب می‌شوند (رایینز، ۱۳۹۶: صص ۳۷۶-۳۷۳؛ اسکات، ۱۳۹۳: صص ۳۵۵-۳۱۷). آشنایی با این تقسیم‌بندی‌ها، الگوی لازم برای شناخت تعاملات جریان با محیط را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهد.

تحلیل رابطه میان رفتار افراد (و اثرگذاری جریان) با اصول و مبانی جریان و همچنین نوع مدیریت و ساختار جریان، مجموعه مهمی از پرسش‌های شبکه مسائل جریان‌شناسی را تشکیل می‌دهند. در این میان، دانش مدیریت رفتار سازمانی، که از علوم اقماری رشته مدیریت محسوب می‌شود، در ارائه الگوهای کلان عوامل مؤثر بر رفتار فردی و جمعی به جریان‌شناس نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع مدیریت رفتار سازمانی، دانشی میان‌رشته‌ای است که از متغیرهای مؤثر بر

۱. برای نمونه، جدول مقایسه ویژگی‌های سبک‌های رهبری آمرانه، میانه‌رو و مشارکتی و شناخت عملکردهای متفاوت و خصوصیات آن‌ها در موقعیت‌های متفاوت، به جریان‌شناس بصیرتی قابل‌اعتنا در مطالعه جریان و پیش‌بینی عملکرد آن، ارائه می‌دهد (ر.ک: رضائیان، ۱۳۹۵: صص ۴۸۶-۴۸۳).

رفتار و کنش افراد با هدف تغییر آن‌ها در جهت افزایش بهره‌وری سازمانی بحث می‌کند (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۲۴-۲۵؛ رضائیان، ۱۳۸۷: صص ۱۶-۷؛ شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱: صص ۲-۱). بنابراین، متغیرها و مفاهیم متنوعی را از دانش‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی^۱، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی جمع‌آوری می‌کند که در رفتار انسان مؤثرند و سپس، با اهداف عملی و کاربردی، درباره آن‌ها بحث و گفت‌وگو می‌کند (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۲۸-۲۷). متغیرهایی نظیر ویژگی‌های شخصیتی، نگرش، ادراک، انگیزش، ارزش‌ها، خلق‌ها، تیم و گروه، ارتباطات، فرهنگ سازمانی،^۲ قدرت، تعارض و...^۳ بنابراین، دانش رفتار سازمانی به جریان‌شناس در ارائه الگوهای کلان عوامل مؤثر بر رفتارهای افراد جریان، که منجر به اثرگذاری می‌شود، کمک می‌کند.^۴

۱. روان‌شناسی اجتماعی، دانشی میان‌رشته‌ای است که مفاهیمی از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را در یکدیگر می‌آمیزد و با رویکرد روان‌شناسانه به بررسی متغیرهای اجتماعی مؤثر در رفتار (اعم از فکر، احساس و کنش) انسان می‌پردازد. در واقع تمرکز این دانش بر بررسی تأثیر افراد بر یکدیگر یا به عبارت دیگر، رفتار اجتماعی انسان است و می‌کوشد با کشف علل رفتارهای اجتماعی انسان، به پیش‌بینی و کنترل رفتارهای انسانی کمک کند. متغیرهایی نظیر، ادراک اجتماعی، شناخت اجتماعی، خود اجتماعی، نگرش، پیش‌داوری، جاذبه میان‌فردی، دوستی، پرخاشگری، رفتار حمایتی، تبلیغات، افکار عمومی، شایعه، نفوذ اجتماعی و گروه و پویایی آن، در این دانش بررسی می‌شوند. چنان‌که از این توصیف روشن می‌شود، خود این دانش می‌تواند هم‌عرض روان‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسی معرفت و مدیریت، یکی از دانش‌های بسته الگویی جریان‌شناسی معرفی شود. چراکه از روابط کلان رفتار بحث می‌کند که در جریان‌شناسی به دنبال شناخت آن هستیم. اما از آنجا که امتدادها و سرریزهای این دانش نظری، به صورت کاربردی در دانش رفتار سازمانی و همچنین نظریه‌های رسانه متبلور شده است و آنچه از این دانش، هدف قرار گرفته، به صورت کاربردی در این دو دانش بررسی می‌شود و اصل در روش تحقیق، سادگی و کاربردی بودن است، از ذکر آن در فهرست بسته دانش‌های الگویی اجتناب شد (بارون و دیگران، ۱۳۸۸: صص ۶-۲۷؛ سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۳: صص ۳-۷؛ بدار و دیگران، ۱۳۹۲: صص ۴-۲؛ ستوده، ۱۳۹۲: صص ۱۹-۱۳؛ استوتزل، ۱۳۷۴: صص ۴۷-۲۴).

باین‌حال، از برخی مباحث بسیار مفیدی که در روان‌شناسی اجتماعی مطرح می‌شود و نقش مهمی در جریان‌شناسی دارد، نمی‌توان غفلت کرد. روان‌شناسی حرکت‌های اجتماعی (بدار و لامارش، ۱۳۹۲: ۳۳۹-۳۴۳) و روان‌شناسی رهبری و عوامل روان‌شناختی که باعث می‌شود شخصی رهبر شود و اشخاص دیگر نه (بارون و دیگران، ۱۳۸۸: صص ۸۱۵-۸۱۰) نمونه‌ای از این مباحث است.

۲. نسبت مفهوم فرهنگ سازمانی به سازمان، تناسب معناداری با مفهوم نظام مشترک معنایی با جریان دارد؛ با این تفاوت که نقشی که ساختار در سازمان دارد را نیز نظام مشترک معنایی جریان به دوش می‌کشد. از میان متغیرهای مطروحه در رفتار سازمانی، فرهنگ سازمانی بیشترین ارتباط را با جریان‌شناسی (و همچنین جریان‌سازی) دارد. (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۵۸۴-۵۶۷)

۳. ر.ک: رفتار سازمانی، استیون رابینز. مبانی مدیریت رفتار سازمانی، رضائیان؛ رفتار سازمانی با رویکرد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۴. نگارنده معتقد است، ظرفیتی که نظریه‌های سازمان برای طراحی و ایجاد یک سازمان دارد را دانش رفتار سازمانی برای ایجاد جریان دارد. به عبارت دیگر، چنان‌که برای طراحی یک سازمان، سراغ دانش مدیریت و نظریه‌های سازمان می‌رویم و براساس آن سازمان جدیدی را بنا می‌کنیم، دانش رفتار سازمانی، دارای ظرفیت بنیاد علمی برای

بنابر آنچه گفته شد، دانش مدیریت و علوم زیرمجموعه آن بخش مهمی از کبراهای استنباطی جریان‌شناسی را در اختیار جریان‌شناس قرار می‌دهند. سبک‌های رهبری، انحای تعامل جریان با محیط و عوامل مؤثر بر رفتار جمعیت جریان که منجر به اثرگذاری می‌شوند، از جمله اصلی‌ترین مباحثی هستند که الگوهای آن‌ها در دانش مدیریت بحث و بررسی می‌شود.^۱ بنابراین، هنگامی که جریان‌شناس، در مقام شناخت تفصیلی جریان، به منابع رجوع می‌کند از کنار عوامل مؤثر بر رهبری، شیوه مدیریت، نحوه تعامل با محیط و عوامل مؤثر بر رفتار افراد جریان، به راحتی عبور نخواهد کرد و ارتباط این ابعاد جریان را با ابعاد دیگر جریان درخواهد یافت.

۱-۳-۱. نظریه‌ها و تکنیک‌های رسانه

نظریه‌های ارتباطات و رسانه مجموعه منسجمی از مفاهیم، توصیف‌ها و تبیین‌هایی هستند که با خلاصه‌سازی مجموعه‌ای از دانش‌ها، نقشه عملی ارتباطی روشنی برای فعالیت، کنترل و پیش‌بینی ارائه می‌دهند. نظریه‌های ارتباطات و رسانه درک ما را از نقش و تأثیر رسانه‌ها و ارتباطات در زندگی روزمره بسط می‌دهند و کمک می‌کنند تا دانش ما از رسانه‌های جمعی گسترش یابد. با شناخت انواع نظریه‌های رسانه و درک آن‌ها، امکان تفسیر رخدادها به شیوه‌هایی قابل انعطاف‌تر، سودمندتر و مشخص‌تر فراهم می‌آید (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: صص ۱۸-۱۴).

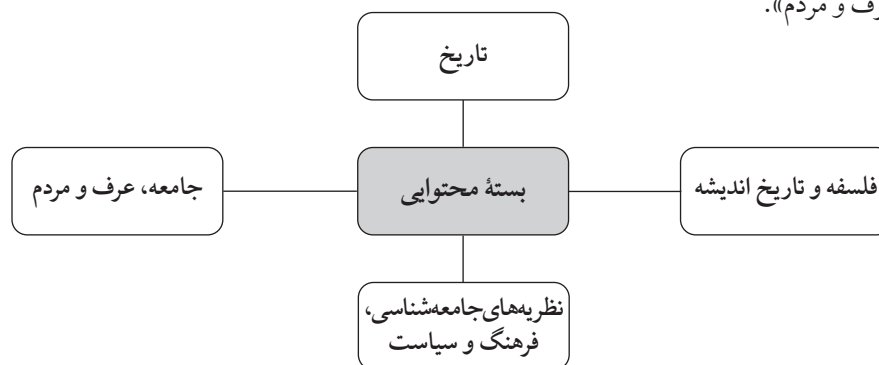
رسانه مهم‌ترین ابزار انتقال و تولید فرهنگ در دنیای امروز است. جریان‌های مختلف، بر اساس الگو یا تکنیک‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی خاص خود، به ترویج تفکر و فرهنگ خود می‌پردازند. بنابراین، آشنایی با الگوهای رسانه‌ای و ارتباطی نقش مهمی در شناخت جریان دارد. با کمک این دانش می‌توان نظام ترویج و نوع فعالیت مروجان و مبلغان جریان‌ها را شناخت و شیوه تبلیغاتی آنان را درک کرد، همچنین متناسب با هر نظام تبلیغی، قدرت اثرگذاری جریان را سنجید و پیش‌بینی کرد (یوسف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱۶).

جریان‌سازی اجتماعی است.

۱. البته در کنار این عناوین، مباحث دیگری نیز در دانش مدیریت وجود دارد که هرچند به درجه اهمیت این سه بحث نیستند، در شناخت جریان مفیدند که از میان آن‌ها می‌توان نحوه شناخت محیط (رابینز، ۱۳۹۶: صص ۲۳۷-۲۱۱)، فتاوری جریان (همان: صص ۲۰۶-۱۸۱)، راهبردهای جریان (همان: صص ۱۵۰-۱۳۷)، انحای تشکیل گروه و تیم (رابینز و جاج، ۱۳۹۶: صص ۳۰۰-۲۷۴) و... اشاره کرد. باتوجه به آنکه مدیریت جزء ذاتی جریان است، به نظر می‌رسد تمامی وظایف مدیریت و در نتیجه تمامی مباحث دانش مدیریت را می‌توان با ویرایش حذف رویکرد افزایش بهره‌وری سازمانی و رسوبات عنصر رسمیت مأخوذ در تعریف سازمان، برای روش‌شناسی جریان‌شناسی بازتعریف و بازتولید کرد.

۲. بسته محتوایی

پاسخ شبکه مسائل جریان‌شناسی را می‌توان در مجموعه‌ای از دانش‌ها جست‌وجو کرد. بسته محتوایی، منابع شناخت جریان را معرفی می‌کند. منابع بسته محتوایی جریان‌شناسی عبارت‌اند از «تاریخ»، «فلسفه و تاریخ اندیشه»، «نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست» و «جامعه، عرف و مردم».



نمودار ۶- معرفی علوم بسته محتوایی

۲-۱. تاریخ (به معنای عام)

تاریخ علم شناخت جزئیات و امور فردی متعلق به زمان است و به مجموعه حوادث فرهنگی، طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و رویدادهایی گفته می‌شود که در گذشته و در زمان و مکان، در متن زندگی انسان‌ها و در رابطه با آن‌ها رخ داده است (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: صص ۳۰ و ۱۱۹؛ ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۲۴-۲۵؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۳۲). این رویدادها کردارها و دستاوردهای مادی و معنوی انسان‌ها و هر آنچه گفته، اندیشیده و عمل کرده‌اند را شامل می‌شود. هر آنچه در جهان رخ می‌دهد و متعلق به زمان است - اعم از احوال، اعمال و اندیشه‌ها - موضوع تاریخ است (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۱۲). دانش تاریخ معرفتی است ناظر به وقایع جزئی و درک پدیده‌های فوق‌الذکر که در ذهن مورخ شکل می‌گیرد و از نوع معرفت درجه یک است. به عبارت دیگر، علم تاریخ، بازگو کردن کلیه اعمال گذشته انسان است به گونه‌ای که نه تنها در جریان وقایع قرار می‌گیریم، بلکه علت وجود آن حوادث را نیز باز می‌شناسیم (مفتخری، ۱۳۹۳: ص ۱۳؛ ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۸-۱۷).

بنابراین، «گذشته» موضوع تاریخ است که به وسیله مدارک و آثاری که از آن باقی است در معرض نوعی تجربه و مشاهده مورخ واقع می‌شود. چون مورخ اسناد را حجت نمی‌داند، در

اصالت، صداقت و دقت و اصابت آن‌ها تحقیق کرده، در تفسیر و تحلیل مندرجات آن‌ها و در استخراج درست تمام محتویات آن‌ها اهتمام می‌ورزد. کار او، اگرچه مشاهده‌ای مستقیم نیست، نوعی تجربه است و چون بر استقراء تام مبتنی نیست و بر مشهورات و مظنونات تکیه دارد، قطعیتی که در تجربه و مشاهده مستقیم در علوم طبیعی حاصل می‌شود، از تاریخ حاصل نمی‌شود. از این روست که تاریخ، اساساً دانشی احتمالی و ظنی است (ملانی توانی، ۱۳۹۰: صص ۳۳-۳۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۳۶).

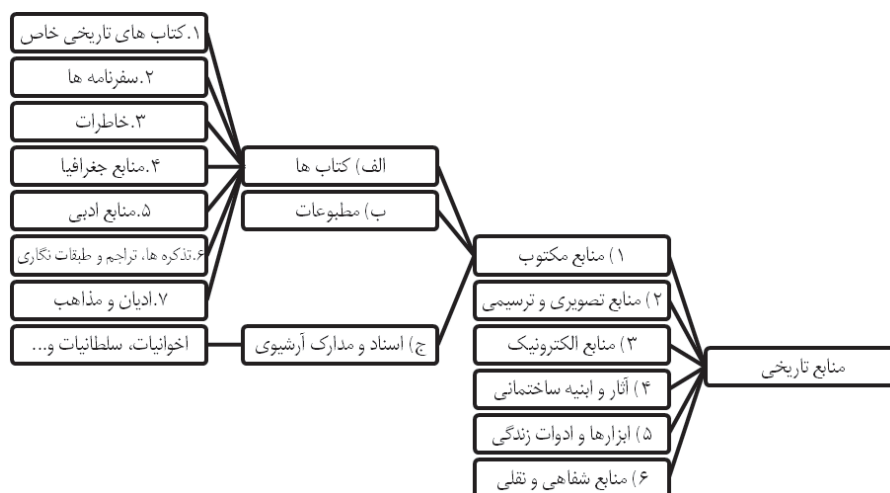
تاریخ تنها گردآوری روایات یا مقایسه آن‌ها و شناخت «واقعیت» حوادث گذشته نیست؛ بلکه ورای این کار به توجیه و تفسیر این «واقعیات» نیز نظر دارد که بین جزئیات رابطه برقرار کند و آن‌ها را به یکدیگر پیوند دهد. «این کار در واقع عبارت است از تجدید بنای گذشته، به کمک مصالح و موادی که اینجا و آنجا از بقایای آوار حوادث باقی مانده است. مصالح و موادی را که مورخ برای این بازسازی گذشته به کار می‌برد، از مدارک و اسناد پراکنده‌ای، که از دستبرد زمان در امان مانده است، به دست می‌آورد؛ البته تمام مصالح و مواد گذشته را نمی‌تواند در این بازسازی خویش به کار برد و خواه‌ناخواه قسمتی از آن را کنار می‌گذارد. بعلاوه وی چگونه می‌تواند این مواد و مصالح غیر مادی را - که به وسیله اذهان گواهان، راویان و ناقلان گذشته مکرر دستکاری شده است - تبدیل به عناصر اصلی و واقعی کند که گذشته را آنچنان که بوده بنا می‌کرده است؟ با این همه، برای آنکه تجدید بنا، هر قدر ممکن است به اصل بنا بیشتر شباهت داشته باشد، باید هم در به کار بردن مصالح دقت کرد و هم در بازآفرینی نقشه و اصل بنا» (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۳۸). بنابراین، اینکه آیا تاریخ همان واقعیات است یا خیر، پرسشی درخور توجه در مبانی علم تاریخ است؛ اما پاسخ هرچه باشد، تاریخ تنها دسترسی ما به واقعیات در زمان گذشته است؛ هر چند منتخباتی ناچیز باقی مانده از آن باشند (کار، ۱۳۸۷: ص ۳۹).

جریان‌شناسی، به یک اعتبار، مطالعه‌ای یکپارچه تاریخی است؛ زیرا ناظر بر انسان‌ها و اتفاقات است، نه اموری کلی و انتزاعی. بنابراین، اطلاعاتی که جریان‌شناس برای جریان‌شناسی جمع‌آوری می‌کند، از سنخ گزارش‌های تاریخی است، گزارش از انسان‌ها (جمعیت جریان و نیروی انسانی)، گزارش اتفاقات و تأثیرات (اثرگذاری و پویایی)، گزارش از نظرات، گفت‌وگوها، نامه‌ها، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و تفکرات (اصول و فروض و نظام معنایی مشترک). به عبارت دیگر، مطالعه تاریخی در جایی اتفاق می‌افتد که یک فکر، انگاره، اندیشه یا مفهوم در حد فاصل انتقال از زمان الف به زمان ب دچار تفاوت موقعیتی شده باشد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ص ۷۶). با توجه به هویت پویا و در حال حرکت جریان، از لوازم ذاتی تعریف جریان ضرورت مطالعه تاریخی است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت افراد مرتبط با جریان، جغرافیای جریان و اثرات جریان، همگی از عناصر مهم جریان‌اند که از طریق منابع تاریخی قابل شناسایی‌اند. علاوه بر آنکه تاریخ یکی از منابع اصلی برای شناخت تفصیلی جریان محسوب می‌شود، اساساً اطلاع اجمالی و انس با تاریخ، برای هر نوع جریان‌شناسی لازم است؛ پیدا کردن روحیه و مذاق رویکرد تاریخی و دستیابی به نگاه یکپارچه به پدیده‌های زمان‌دار و در نتیجه، تقارب و انس با موضوع جریان ثمراتی است که از انس با تاریخ نصیب جریان‌شناس می‌شود.

باید توجه داشت که عنوان «تاریخ» در اینجا، به‌منزله یکی از منابع محتوایی جریان‌شناسی، منحصر به کتب تاریخی گذشتگان نیست؛ بلکه معنای عامی از آن اراده شده است. تاریخ، به معنای عام خود، هم شامل گذشته‌های دور می‌شود و هم تاریخ معاصر. البته تاریخ هر عصر را پس از وقوع آن و با گذشت زمان بهتر و دقیق‌تر می‌توان نگاشت و مطالعه کرد؛ زیرا با فروکش کردن التهابات سیاسی و فروخوابیدن احساسات و هیجان‌های به‌غلیان درآمده از یک سو و انتشار وسیع اطلاعات، اسناد، مدارک و منابع مربوط به آن دوره از سوی دیگر، امکان شناخت منطقی‌تر و عمیق‌تر بیش از پیش فراهم می‌آید (ملائی توانی، ۱۳۹۰: ص ۲۷). اما، با توجه به تعریف تاریخ که عبارت است از «مطالعه امور جزئی زمان گذشته»، اتفاقات زمان معاصر نیز گذشته محسوب می‌شوند و مقدار دوری و نزدیکی آن‌ها به زمان حال آن‌ها را از تاریخ بودن خارج نمی‌کند.

علاوه بر آنکه زمان اخذشده، در عنوان تاریخ، عام است، از حیث متن نیز شمولیت دارد و منحصر به کتب تاریخی نیست. متون تاریخی، از کتب تاریخ گرفته، تا روزنامه‌ها، گزارش‌ها، اخبار، اقوال، اسناد، فیلم‌ها و محصولات فرهنگی را شامل می‌شود. به این اعتبار، منابع تاریخی از نظر شکل چنان گسترده و متنوع‌اند که دسته‌بندی کردن‌شان بسیار دشوار است؛ زیرا شامل همه طیف آثار مکتوب و غیر مکتوب، تصاویر، ابنیه، ادوات زندگی و همه انواع منابعی می‌شوند که بتوان از آن‌ها اطلاعات یا داده‌های تاریخی استخراج کرد. برخی محققین، از یک نگاه کلان، آن‌ها را به شش دسته عمده تقسیم می‌کنند: ۱. منابع مکتوب؛ ۲. منابع تصویری و ترسیمی؛ ۳. منابع الکترونیکی؛ ۴. ابنیه و آثار ساختمانی؛ ۵. ابزارها و ادوات زندگی؛ ۶. منابع شفاهی و نقلی (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۱۹-۱۰۷).



نمودار ۷- دسته‌بندی منابع تاریخی

۲-۲. فلسفه و تاریخ اندیشه و علم

از منابع مهم بسته محتوایی جریان‌شناسی، انباشت تأملات و تفکرات کلان بشری است که در قالب «فلسفه»، «تاریخ علم» و «تاریخ اندیشه» در دسترس ماست. فلسفه تلاش عقلی برای درک نظام کلان هستی است و «فیلسوف کسی است که نظم خارجی جهان را در ظرف فهم خود ادراک کند»، یعنی بکوشد خطوط کلی هستی را کشف و در جان خود ترسیم کند (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ص ۲۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ص ۲۴؛ همو، ۱۳۸۶: ص ۱۲۱). کوشش‌های بشر برای پاسخ دادن به سؤالات کلان خود درباره خطوط کلی جهان هستی، که ریشه در نیازهای فطری حقیقت‌جویی و حقیقت‌طلبی دارد، در دانشی به نام فلسفه صورت‌بندی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ص ۱۳۴). تاریخ علم و اندیشه نیز سیر حرکت علوم و اندیشه‌های مطرح شده در تاریخ بشری را می‌کاود و می‌کوشد چگونگی بقا و استمرار اندیشه‌ها و همچنین صورت‌ها و زمینه‌های نابودی مفاهیم و نظریه‌هایی که بدون مشارکت در ساخت زندگی اجتماعی و تمدن انسانی نابود شده‌اند را برجسته کند.

اصول و فروض هر جریان، ریشه در مکاتب فکری-فلسفی، تاریخ فلسفه و تاریخ اندیشه دارند. اندیشه هرچند در فرد و به صورت مجرد شکل می‌گیرد، ولی هویتی اجتماعی دارد. یک فرد به تنهایی نمی‌تواند علم و نظام فکری بنا کند؛ بلکه افراد در کنار هم، اجزای پیکره دانش را فراهم می‌آورند. افکار امروز بر دوش اندیشه پیشینیان استوارند؛ بنابراین، جریان‌شناس برای فهم عمیق

اصول و فروض جریان‌ها - خصوصاً جریان‌های فکری - نیازمند مراجعه به تاریخ فلسفه و اندیشه است. همچنان‌که انس و آشنایی اجمالی با ادوار تاریخ تفکر بشری، به جهت ایجاد ذوق فکری و قرابت با هویت جریان‌های فکری و همچنین ایجاد ظرفیتی که در مرحله شناخت اجمالی ایجاد می‌کند، برای جریان‌شناس ضروری می‌نماید.

در کنار تاریخ فلسفه و تاریخ اندیشه و ثمراتی که بر آن‌ها در روش جریان‌شناسی مترتب می‌شود، نظرات، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، درس‌گفتارها، مقالات و کتبی که حاوی نظرات هستی‌شناسانه و فلسفی‌اند و متفکرین جامعه آن‌ها را نگاشته و ارائه کرده‌اند، منبع شناخت نظامات فکری جریان‌هاست.^۱

۲-۳. نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست

نظریه‌ها، مجموعه‌ای منسجم از مفاهیم و گزاره‌ها هستند که بخشی از جهان را، به‌طور موجه و کارآمد، تبیین و توصیف می‌کنند و یا درباره آن توصیه‌ای کارآمد ارائه می‌دهند (توسلی، ۱۳۹۰: صص ۱۲-۳؛ اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ص ۲۰). اندیشه‌های بشر درباره زندگی اجتماعی، نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، ساختارهای اجتماعی، فرهنگ، قدرت، حکومت و دولت و دیگر امور مرتبط با زندگی اجتماعی انسان، در قالب نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست، در طول تاریخ، ارائه شده‌اند. نظریه‌های جامعه‌شناسی، هر یک به‌نوعی، یا به‌صورت خرد به بررسی پدیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی پرداخته‌اند و یا به‌صورت کلان، جامعه را به‌صورت یک کل واحد مطالعه کرده‌اند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۹۱: صص ۴۰-۲۷؛ آرون، ۱۳۸۶: صص ۱۸-۳). نظریه‌های فرهنگی نیز، الگوهای مفهومی‌اند که برای شناخت ساختار و یا نقش‌ها و کارکردهای فرهنگ ارائه می‌شوند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: صص ۲۱-۲۰).

جریان‌های اجتماعی، خصوصاً جریان‌های فرهنگی و سیاسی، از آن‌رو که جریان‌اند و دارای اصول و فروض (نظام مشترک معنایی) هستند و در امتداد نظامات معنایی پیشین شکل می‌گیرند، همگی از نظریه‌های جامعه‌شناختی، فرهنگی و سیاسی ریشه می‌گیرند. در واقع جریان‌های اجتماعی، در دامنه نظریه‌های هم‌عرض خود شکل می‌گیرند و حیات می‌یابند. بنابراین، برای شناخت اصول جریان‌ها نیازمند رجوع به این منابع هستیم.^۲

۱. البته این سنخ از اطلاعات، در تعریف عامی که از «متون تاریخی» ارائه شد، وارد می‌شوند. اما از جهت تأکید بر اهمیت، دوباره ذکر شد.

۲. برای مثال، جریان‌های سیاسی، همگی براساس تعریف خاصی از قدرت و دولت شکل گرفته‌اند و نقطه مطلوب

اهمیت این منابع، تنها در شناخت اصول و فروض جریان‌ها، خلاصه نمی‌شود. زمینه حیات جریان‌های فرهنگی و سیاسی، در هر محیط اجتماعی، فرهنگ آن محیط است. هر جریان اجتماعی جز با تمرکز بر شاخصه یا شاخصه‌هایی از فرهنگ یک جامعه و محیط نمی‌تواند در آن محیط زندگی و رشد کند. جریان‌های اجتماعی، مبتنی بر آن محیط فرهنگی، به تأثیرپذیری یا اثرگذاری اجتماعی مشغول می‌شوند. بنابراین، فهم و ادراک فرهنگی از عناصر مهم جریان‌شناسی است که با رجوع به این منابع و نظریه‌ها حاصل می‌شود.

علاوه‌براین، انس با این مباحث و داشتن اطلاع اجمالی از آن‌ها، ثمری همچون دو منبع پیشین دارد. چنان‌که دانستیم، هویت اجتماعی جنس قریب جریان است. بنابراین، شناخت جامعه نوعی تقارب به موضوع را حاصل می‌آورد که لازمه هر تحقیق است. جریان‌شناس، با آشنایی اجمالی با اندیشه جامعه‌شناسی، از نگاه بسیط به جامعه رهایی می‌یابد و پیچیدگی جامعه را درک می‌کند. در کنار نظریه‌های جامعه‌شناختی، فرهنگی و سیاسی و ثمراتی که بر آن‌ها در روش جریان‌شناسی مترتب می‌شود، نظرات، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، درس‌گفتارها، مقالات و کتبی که حاوی مطالعات جامعه‌شناسانه، فرهنگی و سیاسی‌اند و متفکرین جامعه، درباره مسائل جامعه امروز، می‌نگارند و ارائه می‌کنند، منبع شناخت نظام مشترک معنایی جریان‌های جامعه‌اند.^۱

۲-۴. جامعه، مردم و عرف

«عرف» عبارت است از فهم و بینش یا بنا و روش رفتاری یا داوری و ارزش‌گذاری مستمر و ارادی مردم که حالت رسمی و قانونی به خود نگرفته و تنها هویتی بین‌الذهانی نزد افراد دارد (علیدوست، ۱۳۹۴: ص ۶۱). اثرگذاری جریان‌ها بر جامعه و مردمی است که مخاطب آن‌ها قرار گرفته‌اند؛ گاهی عموم مردم مخاطب این اثرات هستند که در این صورت، اثرگذاری بر «هویت بین‌الذهانی تمامی افراد جامعه» (عرف یا عقل عرفی)^۲ وارد می‌شود و گاهی جمعیت خاصی از مردم مخاطب‌اند که در این صورت اثر بر آن «عرف خاص» گذاشته می‌شود. گاهی این اثرات در قالب‌های مکتوب یا مصنوع بازسازی می‌شوند و در اشیائی تبلور پیدا می‌کنند. در این صورت، تعریف عام از تاریخ

خود را تصویر کرده‌اند. با مراجعه به نظریه‌های موجود در این زمینه، می‌توان ریشه‌های این مبانی را یافت و از این طریق، امتداد عینی آن‌ها را در قالب جریان‌های سیاسی-اجتماعی جست‌وجو کرد و شناخت عمیق آن‌ها دست یافت (وینسنت، ۱۳۹۵: صص ۷۶-۱۵).

۱. البته این سنخ از اطلاعات، در تعریف عامی که از «متون تاریخی» ارائه شد، وارد می‌شوند. اما از جهت تأکید بر اهمیت، دوباره ذکر شد.

2. Common Sense

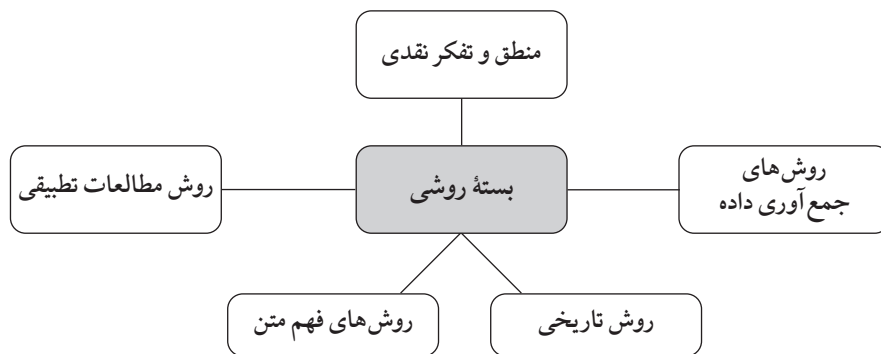
بر آن صادق خواهد بود و براساس آن منابع تاریخی، می‌توان این اثرات اجتماعی را مطالعه کرد. اما، گاهی جریان‌های روز جامعه مطالعه می‌شوند که هنوز امتداد اثرات فرهنگی - اجتماعی آن‌ها در قالب اشیاء و منابع تاریخی رسوب پیدا نکرده است و یا جنبه‌هایی از اثرات مطالعه می‌شوند که با چند واسطه نمود پیدا می‌کنند. در این صورت می‌توان مستقیماً به سراغ مردم رفت و جامعه و مردم موجود را به منزله یک «متن» مطالعه کرد. در واقع، «عرف» خود منبعی اصلی و اساسی برای مطالعه اثرات جریان‌های روز جامعه محسوب می‌شود که با روش‌های مردم‌شناسانه قابل مطالعه است.

۳. بسته روشی

استخراج داده‌ها از بسته محتوایی و همچنین فراوری و ارزیابی آن‌ها خود نیازمند روش‌هایی است که در بسته روشی جریان‌شناسی قرار می‌گیرند. این روش‌ها عبارت‌اند از «منطق و تفکر نقدی»، «روش‌های جمع‌آوری داده»، «روش تاریخی»، «روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن» و «روش مطالعات تطبیقی».

۱. مردم‌نگاری، یکی از روش‌های مطالعات کیفی و روش عمده رشته‌ی انسان‌شناسی از زمان پیدایش این رشته است که محقق از طریق آن به توصیف ارزش‌ها، رفتارها، عقاید و زبان مشترک یک گروه فرهنگی می‌پردازد. از دیدگاه مردم‌نگاری، فرهنگ (و به یک معنا، عقل سلیم یا عقل عرفی یا دانش عامه) از یک سو مخلوق کنش با معنا و از سوی دیگر، هدایتگر و حتی تولیدکننده آن است و انسان‌ها در تعاملات اجتماعی و در یک بستر فرهنگی، از دانستنی‌ها یا معرفتی فرهنگی برخوردار می‌شوند. دانستنی‌های فرهنگی، به مثابه مخزن دانش و معرفت انسان، تعیین‌کننده دیدگاه وی برای هدایت رفتارها و کنش‌های اجتماعی است. بنابراین، مردم‌نگاری به معنای توصیف انسان‌هاست و این هدف را از طریق توصیف فرهنگ آن‌ها محقق می‌کند. از این رو، فرهنگ و فهم عرفی هسته اصلی مردم‌نگاری را شکل می‌دهد. در این روش، محقق در زندگی روزمره و روابط اجتماعی جمعیتی که مطالعه می‌کند وارد شده، در آن غوطه‌ور می‌شود تا بدین وسیله از طریق مصاحبه، مشاهده و یادداشت (پژوهش میدانی) با اطلاعات دست اول، به فهمی از نظام معنایی فرهنگی و اشتراکی آن‌ها دست پیدا کند (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۲۲۲-۲۱۱؛ ایمان، ۱۳۹۳: صص ۶۰-۳۵).

البته باید توجه داشت که جریان‌شناسی، در اصل دانشی مصرف‌کننده است و از محصولات دانش‌ها و مطالعات تولیدی بهره می‌گیرد؛ از این رو روش‌های مردم‌شناسانه، جزو روش‌های اصلی و اصیل جریان‌شناسی - در بسته روشی - قرار داده نشده است. اما هنگامی که جریان‌شناس بخواهد جریان‌های روز جامعه را به صورت عمیق و تخصصی مطالعه کند، ناگزیر باید برای شناخت، به صورت مستقیم به سراغ عرف رفته، از روش‌های مردم‌شناسانه بهره جویید.



نمودار ۸- معرفی روش‌های بسته روشی

۳-۱. منطق و تفکر نقدی

منطق دانشی است که رسالت خود را ارائه مجموعه قانون‌ها و قواعدی کلی برگزیده است که به‌کارگیری آن‌ها ذهن را از خطای در تفکر باز می‌دارد (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۵: صص ۸-۱۰؛ قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۸۳: ص ۲۸؛ ساوی، ۱۳۸۳: صص ۵۲-۵۳؛ مظفر، ۱۴۳۳: صص ۸-۱۰). این رسالت با بیان سیر حرکت تفکر در تصورات و تصدیقات به انجام می‌رسد. آنچه از این علم لازمه هر کار و پژوهش علمی است، بدون شک حیث مهارتی آن است، و نه حیث دانشی آن. اصل فهم، شناخت و مطالعه هر امری، نیازمند دارایی حدی از شخصیت منطقی توسط محقق و اندیشور است.

امروزه، با پیراستن زوائد نظری مجموعه مباحثی که به فهم عمیق و درست نظریه‌ها کمک کند و شخصیت منطقی را بیش‌ازپیش در دانش پژوه احیا نماید، در دانشی به نام «تفکر نقدی» یا «روش نقد اندیشه‌ها» جمع‌آوری شده است. تفکر نقدی دانش مهارت نقد و بررسی باورها، اندیشه‌ها و نظریه‌هاست (خواص، ۱۳۹۳: ص ۲۵). به‌عبارت‌دیگر، تفکر نقدی، که مصرف‌کننده دانش‌های منطق، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و فلسفه علم است (خواص، ۱۳۹۳: صص ۲۷-۲۵؛ ملکیان، ۱۳۷۳: صص ۷، ۲۱-۲۰)، به شیوه‌های داوری درباره آراء، اندیشه‌ها و نظریه‌های ما و دیگران می‌پردازد. به‌طورکلی، در نقد یک اندیشه چهار مرحله وجود دارد: ۱. روشن کردن معانی واژگان و اصطلاحات و ارزیابی حفظ آن معنا در طول نظریه؛ ۲. کشف پیش‌فرض‌ها و ارزیابی سازگاری یا ناسازگاری آن‌ها با یکدیگر؛ ۳. تفکیک انگیزه و انگیزه‌تفکیک و تفکیک مدعا و دلیل و مطالبه دلیل و ارزیابی ادله و سنجش تناسب دلیل با مدعا؛ ۴. کشف مغالطات (خواص، ۱۳۹۳: صص ۴۶-۴۵؛ ملکیان، ۱۳۷۳: صص ۳۳-۲۲). بنابراین، تفکر نقدی از این چهار بحث عمده گفت‌وگو می‌کند و روش‌های آن را ارائه می‌دهد.

جریان‌شناسی از آن حیث که نوعی فعالیت علمی است، نیازمند داشتن تفکر منطقی است؛ خصوصاً آنکه جریان هویتی شبکه‌ای و نظام‌وار دارد و برای شناخت آن لازم است ارکان مختلف، مرتبط با یکدیگر، فهم شوند و همچون حقایق تک‌بعدی نیست که به صورت خطی و با تکیه بر منطق فطری - عرفی بتوان آن را شناخت. علاوه بر این، فهم محتوایی نظام‌های فکری - فلسفی و شناخت اصول و فروض جریان‌ها، نیازمند مهارت تفکر نقدی است. بنابراین، تفکر نقدی لازمه درک هویت سیستمی جریان و اصول و فروض آن محسوب می‌شود.

۲-۳. روش‌های جمع‌آوری داده

ورای اینکه هر پژوهش، چه طرح تحقیقی دارد و از چه روش‌هایی برای تحلیل و ارزیابی داده‌ها استفاده می‌کند، «جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها» جزء انکارناپذیر فرایند تحقیق است. بنابراین، در روش‌شناسی جریان‌شناسی، یکی از روش‌هایی که جریان‌شناس به آن نیاز دارد، آشنایی و بهره‌گیری از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و گردآوری داده‌هاست. خصوصاً جریان‌شناسی، از آن رو که روشی میان‌رشته‌ای می‌طلبد و از روش‌های متکثری در تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند، به اطلاعات ذاتاً متفاوتی که منابع مختلفی دارند نیازمند است؛ از این رو اهمیت روش‌های گردآوری داده‌ها در جریان‌شناسی، دوچندان است.

اسناد و منابع استفاده شده در هر تحقیق، از نظر اهمیت و اعتبار - صرف نظر از شکل، تنوع و نحوه دست‌یابی به آن‌ها - به دو دسته «منابع اصلی یا دست اول» و «منابع فرعی یا دست دوم» تقسیم می‌شوند. منابع دست اول یا اصلی، به آثاری^۱ اطلاق می‌شود که یا خودشان عین پدیده مطالعه شده‌اند و یا گزارش‌هایی هستند که در همان زمان وقوع رویداد و یا نزدیک‌ترین زمان نسبت

۱. این منابع بسیار متنوع‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از قوانین عادی، قوانین اساسی، فرمان‌ها، رأی دادگاه‌ها، صورت‌تجلسات سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و نهادهای سیاسی - اجتماعی، گزارش‌های رسمی، خاطرات، نامه‌ها، حسب‌حاله‌ها، شجره‌نامه‌ها، قراردادهای قبایله‌ها، اجاره‌نامه‌ها، وصیت‌نامه‌های گواهی‌نامه‌ها، اقرارنامه‌ها، استشهادها، اظهارنامه‌ها، آگهی‌ها، گواهی‌ها، فهرست‌ها، اعلامیه‌ها، صورت‌حساب‌ها، رسیدها، روزنامه‌ها، مجلات سیاسی - اجتماعی، اسناد سیاسی، اسناد تجاری، نقشه‌ها، نمودارها، کتاب‌های تاریخی که هم‌زمان با رخدادهای تاریخی نوشته می‌شوند، کتب و یادداشت‌های شخصیت‌های تأثیرگذار، کاتالوگ‌ها، فیلم‌ها، عکس‌ها، نقاشی‌ها، کتیبه‌ها، رونوشت‌ها، گزارش‌های تحقیقی، ایمیل‌ها، اسناد الکترونیکی، مرامنامه‌ها، برنامه‌های سیاسی. در کنار آنها باید از سنگواره‌ها، قبرها، بناهای تاریخی، ابزارها و ادوات زندگی، سلاح‌ها، غذا، ظروف، لباس، اثاثیه خانه، تصاویر، سکه‌ها، اشیاء هنری و همه بقایای گذشته، که می‌توانند درباره نحوه زندگی، تفکرات، اختراعات، ابداعات، هنرها و عقاید مذهبی گذشتگان اطلاعاتی در اختیار پژوهشگر قرار دهند، نام برد. آنچه گفته شد، تنها نمونه‌هایی از منابع اصلی است که به دلیل تنوع و گستردگی‌شان نمی‌توان فهرست دقیق و کاملی از آنها ارائه داد (ملانی توانی، ۱۳۹۰: ص ۱۰۶).

به وقوع آن، نوشته شده‌اند.^۱ منابع دست دوم و فرعی، به آثاری اطلاق می‌شود که مدتی پس از پدیده و ناظر بر آن و با استفاده از منابع دست اول نگاشته و تولید می‌شوند. به‌طورکلی، محقق - خصوصاً جریان‌شناس - نباید به منابع دست دوم و چندم و تفسیرها و گزارش‌های برداشتی و با واسطه بسنده کند. پژوهشگر ملزم است تا آنجا که می‌تواند، خود مستقیماً به منابع دست اول مراجعه کند و آب را از سرچشمه بنوشد تا تحقیق او از دقت و اتقان بالایی برخوردار شود (ملانی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۰۷-۱۰۵؛ ایمان، ۱۳۹۳: صص ۱۴۹-۱۴۷؛ محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۳۵۷-۳۵۶).

هر آنچه در جهان اجتماعی اتفاق می‌افتد برساخته‌ای اجتماعی و محصول انسانی تلقی شده و قابل تحلیل و بررسی است و داده و اطلاعات محسوب می‌شود. داده‌ها را به‌طورکلی می‌توان در دو دسته متنی و مشاهده‌ای قرار داد. داده‌های مشاهده‌ای با استفاده از روش‌های مشاهده آزاد، مستقیم و مشارکتی و داده‌های متنی از طریق روش‌های مصاحبه و تحلیل اسناد و مدارک گردآوری می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۰۰).

جدول ۱ - انواع داده‌ها و روش‌های دستیابی به آن‌ها

نوع داده	داده خاص	موارد	روش
متنی	مکتوب	تاریخچه‌های زندگی، خاطره‌ها، روزنامه‌ها و مجله‌ها، نامه‌ها، داستان‌ها و روایت‌های منقول، اسناد و مدارک اداری، مقالات و کتب و...	تحلیل اسناد و مدارک و روش‌های کتابخانه‌ای
	شنیداری (تولید شده)	مصاحبه‌ها (رسمی، غیررسمی، متمرکز، خودمصاحبه و...)، روایت‌های زنده، تاریخ شفاهی	انواع مصاحبه (منظم، نیمه منظم، و عمیق)
مشاهده‌ای	متنی شده	یادداشت‌های میدانی پراکنده و استنباطی و مشاهده‌ای	مشاهده آزاد، مستقیم، مشارکتی و غیرواکنشی
	ناب	تصاویر، فیلم‌ها، کروکی‌ها، نقشه‌ها و...	تحلیل اسناد و مدارک و روش‌های کتابخانه‌ای

۱. البته همه این آثار از نظر درجه اهمیت و اعتبار یکسان نیستند. طبیعتاً هر یک از آنها بنا بر ماهیت متفاوت‌شان جنبه‌ای از پدیده و تحولات تاریخی را بازتاب می‌دهند و محقق ناگزیر است برای تکمیل داده‌ها و تسلط کافی بر جنبه‌های گوناگون یک رخداد یا بررسی دقیق‌تر یک موضوع به انواع متنوع آنها رجوع کند تا نقص‌ها و کاستی‌های آنها را از طریق مقابله، مقایسه و نقد درونی و بیرونی برطرف سازد.

مجموعه روش‌های گردآوری داده‌ها را می‌توان در دو دسته کلی میدانی (مشاهده^۱ و مصاحبه^۲) و کتابخانه‌ای (تحلیل اسناد و مدارک و سنجه‌های غیرمزاحم و غیرواکنشی^۳) قرار داد. روش‌های مشاهده، مصاحبه و کتابخانه‌ای، هرکدام بر حسب نوع روش تحقیق، اهداف و سؤال پژوهشی خاص و نوع داده‌هایی که محقق به آن‌ها نیاز دارد، در فرایند تحقیق استفاده می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۱۲۶).

مراجعه به کتب، اسناد و مکتوبات ابزار اصلی هر پژوهش و نقطه عزیمت گردآوری اطلاعات و داده‌ها - خصوصاً داده‌های گزارشی و تاریخی‌مند - است. روش کتابخانه‌ای در همه تحقیقات علمی، به‌ویژه تحقیقات جریان‌شناسانه، کاربرد فراوان دارد. عموماً اسناد و کتب و به‌طورکلی، روش کتابخانه‌ای، پاسخ‌گوی عمده نیازهای جریان‌شناس برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات است. گام اول در این روش، آشنایی با رده‌بندی کتب و استفاده از کتابخانه و محتویات آن و دیگر فناوری‌های مرتبط با مطالعه اسناد و مدارک است (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۲۰-۱۱۹). پژوهشگر بعد از شناسایی منابع، برای یادداشت‌برداری و گردآوری داده‌ها به سراغ آن‌ها می‌رود.

در مواجهه با تمامی انواع منابع، تلاش پژوهش‌گر معطوف به جمع‌آوری داده‌هایی است که هرچه شایسته‌تر باشند. شایستگی اطلاعات، در گرو مرتبط بودن، کافی و کامل بودن، صادق بودن، دقیق بودن، وضوح مفهومی و تمایز مصادقی داشتن، نو و به‌روز بودن، مستند بودن و مستدل بودن است (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: صص ۱۲۰-۱۰۷).

۳-۳. روش تاریخی

جریان‌شناسی را، از یک منظر، می‌توان یکپارچه مطالعه‌ای تاریخی دانست؛ زیرا ناظر بر انسان‌ها و اتفاقات عینی زمان‌مند و مکان‌مند است، نه اموری کلی و انتزاعی. مطالعه تاریخی، در جایی اتفاق می‌افتد که یک فکر، انگاره، اندیشه یا مفهوم درحد فاصل انتقال از زمان الف به زمان ب

۱. برای اطلاع از انواع مشاهده (نظیر مشاهده مشارکتی) و تکنیک‌های بهره‌گیری از آن ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۳۹-۱۲۷، ۲۰۷.

۲. برای اطلاع از انواع مصاحبه و پرسش‌های مصاحبه‌ای و نظریه‌ها و تکنیک‌های این شیوه گردآوری داده ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۸۰-۱۴۱.

۳. روش‌های غیرمزاحم یا غیرواکنشی، شامل هرگونه مطالعه رفتار انسانی است که بر گفت‌وگو مستقیم با افراد (مانند مصاحبه) یا مشاهده آن‌ها (مانند مشاهده مشارکتی) مبتنی نباشد. این روش می‌تواند دربرگیرنده آثار فیزیکی و به‌جامانده از انسان‌ها، مانند آثار باستانی، اسناد و مدارک مکتوب یا اینترنت باشد. از این‌رو برخی روش‌های غیرواکنشی را برای اشاره به داده‌های ثانویه به‌کار می‌برند (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۲۰۲-۲۰۱).

دچار تفاوت موقعیتی شده باشد (پاکتچی، ۱۳۹۱: ص ۷۶). باتوجه به هویت پویا و در حال حرکت جریان، از لوازم ذاتی تعریف جریان ضرورت مطالعه تاریخی است.

تاریخ و متون تاریخی به معنای عام، در بسته محتوایی منبع اصلی استخراج پاسخ‌های شبکه مسائل جریان‌شناسی معرفی شد. از مجموعه قواعد استخراج و بهره‌گیری منضبط و علمی از این منبع، تحت عنوان «روش تاریخی» یاد می‌شود. جریان‌شناسی در شناخت تمامی ابعاد و عناصر تشکیل‌دهنده جریان نیازمند منابع تاریخی است، در تمامی این موارد ضرورتاً نیازمند روش پژوهش در تاریخ نیز هست. در روش تاریخی، تفاوتی نمی‌کند که مسئله مطالعه شده، رویدادی تاریخی است یا کلام منقولی که از بیان و تفکر اندیشمند یا سخنگویی حکایت می‌کند، در هر دو حالت، قواعد استخراج و داوری درباره گزاره از قواعد یکسانی تبعیت می‌کنند؛ چراکه سنخ هر دو آن‌ها گزارشی است و ارزیابی‌های تاریخی را می‌طلبند.

مطالعه تاریخی، به‌طورکلی، از دو مرحله عمده تشکیل می‌شود: قدم اول گردآوری داده‌های تاریخی و ارزیابی و پالایش آن‌هاست. مورخ، با استقرا در تمام مظان روایت، می‌کوشد اطلاعات و سندهای مرتبط با مسئله را به‌طور نسبتاً کامل گردآوری کند (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۴۲؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۴۹-۱۴۷؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۵۷-۳۵۶). اما اصلی‌ترین مرحله، داوری و پالایش داده‌های جمع‌آوری شده است. در این مرحله، چشم پژوهشگر بر واقعیات تازه‌ای از میان داده‌های تاریخی، نظیر داده‌های متناقض، داده‌های شاذ و نادر، داده‌های مشکوک، داده‌های مبهم و ... گشوده می‌شود. در این مرحله، داده‌ها به‌صورت علمی تصفیه می‌شوند و صدق و کذب آن‌ها تشخیص داده شده، اخبار و اطلاعات سست از واقعی تفکیک و شناسایی می‌شوند (ملانی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۳۳-۱۳۱).

روش تاریخی، با تقسیم‌بندی انواع داده‌ها (نظیر تقسیم به خبر واحد و مستفیض و متواتر و...) راه را برای ارزیابی داده‌ها و سنجش قدرت آن‌ها می‌گشاید و روش‌های حل تعارضات میان آن‌ها را بیان می‌کند. در اخبار مندرج در اسناد مکتوب، دو مسئله عمده باید بررسی شوند: ۱. صحت سند و انتساب؛ ۲. صحت متن خبر (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۵۰؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۴۹). به‌عبارتی، با ارزیابی سندی و متنی داده‌های تاریخی، هم خود آن‌ها پالایش می‌شوند و درجه اعتبارشان مشخص می‌شود^۱ و هم در هنگام تعارض آن‌ها با داده‌های دیگر، ملاک ترجیح‌شان

۱. نتیجه این فعالیت تولید اطلاعات تاریخی است. به عبارت دقیق‌تر، بین داده تاریخی با اطلاعات تاریخی، تفاوت است. نقد و ارزیابی اسناد تاریخی، داده‌های تاریخی را به «اطلاعات تاریخی» تبدیل می‌کند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۲۷۵).

معین می‌گردد.^۱ در صورت یکسان بودن ارزش و اعتبار دو یا چند مدرک یا خبر، قواعد تعادل و ترجیح اجرا می‌شود (ملائی توانی، ۱۳۹۰: صص ۱۳۵-۱۳۴).

به‌طور خلاصه، مرجحات روایت تاریخی از حیث سند و راوی، عبارت‌اند از عدالت و اعدلیت (با مطالعه فضایل و تاریخ آن)^۲، اصدقیّت، اضبط (دقت و حافظه او در نقل عین حدیث)، علو اسناد (قلت الوسائط)^۳، اسناد در مقابل ارسال مقبول^۴، تعدد و کثرت راوی نسبت به شدوذ و قلت، اعلی بودن طریق تحمل و انتقال روایت از یک راوی به راوی دیگر^۵، و کثرت روات (نقل بیشتر)^۶. همچنین، مرجحات متنی و محتوایی روایت تاریخی، عبارت‌اند از بافت زبانی (فصاحت و افصحیت)، نقل به لفظ در برابر نقل به معنا، عدم اضطراب متن^۷، موافقت با اصول مسلم، مخالفت با جریان فکری رقیب، و عمل (فهم عرفی موافق با روایت) (ابن شهید ثانی، بی‌تا: صص ۲۵۶-۲۵۰؛ انصاری، ۱۴۲۸ه.ق.: صص ۸۱-۷۹؛ نائینی، ۱۳۷۶: ص ۷۲۶؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ه.ق.: صص ۴۶۰-۴۴۳؛ صدر، ۱۴۱۷ه.ق.: صص ۱۵۸-۱۵۵؛ امام خمینی، ۱۴۱۰ه.ق.:

۱. بخش قابل توجهی از دانش اصول فقه در سنت اسلامی، در مقام بیان چنین قواعدی است که امروزه در روش‌شناسی تاریخی بحث و بررسی می‌شوند. در عمده کتب اصول فقه، مباحثی که مربوط به تقسیم انواع روایت، از جمله تقسیم روایت به واحد و متواتر و همچنین مباحث تعارض، تعادل و ترجیح است، به این مسئله اختصاص دارند. بنابراین، روش‌های اصول فقهی کاربرد قابل توجهی در جریان‌شناسی دارند: نیمی از مباحث آن که در حوزه تفسیر متن است و تحت عنوان مباحث الفاظ قرار گرفته‌اند، جزو «روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن» قرار می‌گیرند و مباحث تعارض و تقسیمات اخبار جزو «روش‌های تاریخی».

۲. ترجیح راوی عادل در یک روایت بر راوی موثق و فاسد المذهب در روایت دیگر یا ترجیح راوی عادل‌تر در یک روایت بر راوی روایت دیگر. عادل‌تر بودن او می‌تواند به صراحت در شرح حالش ذکر شده باشد یا اینکه فضائلی برای او ذکر کرده باشند که او را نسبت به راوی دیگر عادل‌تر معرفی می‌کند.

۳. مراد از علو، کم بودن واسطه‌هاست؛ یعنی هر اندازه که تعداد واسطه‌ها میان راوی و مروی‌عنه کمتر باشد، آن خبر از نظر سند ارزنده‌تر است و بر خبر دیگر مقدم می‌شود، زیرا در خبری که علو سند دارد احتمال خطا کمتر است.

۴. ترجیح روایت مرسل راوی‌ای که مرسلات او پذیرفته است بر روایت مسند. در این صورت روایت مسند در مقام تعارض ترجیح دارد.

۵. مثلاً قرائت نسبت به استنساخ. ترجیح روایتی که طریق تحمل آن برتر از طریق تحمل راوی دیگر است، مانند برتری طریق سماع بر طریق اجازه.

۶. هرگاه شمار راویان یکی از دو خبر متعارض بیشتر از دیگری باشد، رجحان از آن همان خبر است، زیرا ظن حاصل از خبری که راویانش بسیار است، قوی‌تر است از ظن حاصل از خبری که راویانش کم‌اند. ترجیح روایت دارای راویان متعدد بر روایتی که تنها یک راوی آن را نقل کرده است یا ترجیح روایتی که راویان آن بیشتر از روایت دیگر باشند.

۷. اضطراب در بیان متن یک روایت سبب اطمینان به صادر نشدن آن روایت می‌شود. البته در پاره‌ای موارد، اضطراب و اختلال، سبب بی‌اعتباری متن نمی‌شود، بلکه گاه تنها یک عدم تناسب شمرده می‌شود. منظور از اضطراب متن در اینجا اضطراب یک روایت در مقایسه با روایت دیگر است.

صص ۸۶-۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ه.ق.: صص ۵۹۰-۵۴۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴ه.ق.: صص ۴۹۸-۵۲۰).

بنابراین، روش تاریخی مجموعه قواعد عامی را بیان می‌کند که بر اساس آن می‌توان به سراغ منابع تاریخی (به معنای عام خود که در بسته محتوایی بیان شد) رفت و محتوایی که در جریان‌شناسی نیاز است را از آن استخراج، پالایش و ارزیابی کرد.

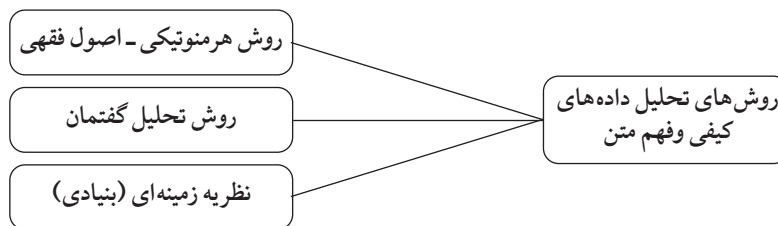
۳-۴. روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن

تحقیق و تولید علم، بعد از دستیابی به اطلاعات شایسته، در گرو پردازش و تحلیل روشمند است. اطلاعات مفید بدون انجام یک تحلیل دقیق، فعالیت پژوهشی را بی‌ارزش و سطحی می‌کند. در بسیاری از موارد، محقق در جمع‌آوری اطلاعات تلاش قابل‌تقدیری به‌انجام می‌رساند و داده‌های جمع‌آوری شده از کیفیت و اعتبار خوبی برخوردارند، ولی مرحله‌ی فراوری و پردازش آن‌ها سریع و سطحی انجام می‌شود و از این رو محصول پژوهش از اعتبار قابل توجه علمی بی‌بهره می‌ماند (منادی، ۱۳۸۵).

از آنجا که جوهره جریان را نظام مشترک معنایی جریان تشکیل می‌دهد و این عنصر از اهمیت بالایی در شناخت جریان برخوردار است، آشنایی و دستیابی به مهارت استفاده از روش‌های تحلیل داده‌ها و فهم متن در جریان‌شناسی اهمیت زیادی دارد. بنابراین، بعد از جمع‌آوری داده‌های خام درباره‌ی اصول و فروض جریان (نظام مشترک معنایی) باید با روش یا روش‌هایی، آن‌ها را پردازش کرد تا به فهم جامع و منضبطی از آن دست یافت. روش‌های تحلیل^۱ داده‌های کیفی و فهم متن، از تنوع زیادی برخوردارند (محمدپور، ۱۳۹۲ب: صص ۶۱-۶۰)؛ اما مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آن‌ها که در فهم نظام مشترک معنایی جریان مفیدند، به این شرح‌اند: ۱. روش‌های تفسیر متن (اصول فقهی) که عموماً رویکردی خرد و گزاره‌ای دارند؛ ۲. روش تحلیل گفتمان که رابطه‌ی نظام فکری را با قدرت

۱. باید توجه داشت که روش «تحلیل محتوا» خود یکی از «روش‌های تحلیل متن» است. بنابراین، هرچند گاهی تعبیر تحلیل محتوا را به صورت عام برای روش‌های تحلیل داده‌های کیفی استعمال می‌کنند؛ اما این دورا نباید یکسان فرض کرد. تحلیل محتوا یکی از قدیمی‌ترین روش‌های تحلیل متن در میان روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی است. این روش «شمارش» عناصر متن را برای فهم محتوا بسیار اساسی می‌داند. در واقع تحلیل محتوا به روشی گفته می‌شود که به طور مستقیم و روشن بر ابعاد کمی‌پذیر محتوای متن متمرکز است. هرچند در دهه‌های اخیر، پیدایش روش‌های دیگر تحلیل محتوای کیفی، تفکیک روش را از دیگر روش‌های تحلیل متن - به خصوص روش‌های مردم‌نگارانه یا نظریه‌ی زمینه‌ای - دشوار کرده است (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۰۱-۱۰۰؛ منادی، ۱۳۸۵: صص ۲۲-۲۰؛ رضوانی، ۱۳۸۹: صص ۱۳۷-۱۳۹؛ موسوی، ۱۳۸۴: صص ۸۴-۷۹؛ حاجیلو، ۱۳۸۳: صص ۵۸-۵۷).

می‌سنجد و در این چارچوب فهم می‌کند؛^۳ روش و نظریه زمینه‌ای^۱ که رویکردی نظام‌مند به متون دارد و می‌کوشد از جزئیات پیکره‌ای دستگاه‌واره استخراج کند.



نمودار ۹- انواع روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن در جریان‌شناسی

فهم و تفسیر متن - خصوصاً در مرحله اول مواجهه با متن که دارای نگاه خرد^۲ است - به قواعد و روش‌های عام تفسیر نیازمند است. «هرمنوتیک روش‌شناختی» در سنت غربی، دانش، هنر و روشی است که مباحث مربوط به روش تفسیر متن را بررسی می‌کند. در این اصطلاح، هرمنوتیک روش و هنر فهمیدن یا تفسیر و دستیابی به فهم کامل و غیر مبهم هر نوع متن گفتاری و نوشتاری دانسته می‌شود (واعظی، ۱۳۸۹: صص ۲۸-۲۷؛ الهی‌راد، ۱۳۹۵: صص ۱۰-۹؛ خسروپناه، ۱۳۹۲: ص ۱۰۷؛ همو، ۱۳۹۴: صص ۱۶۲-۱۶۱). این دانش از مجموعه قواعد روش‌شناسانه‌ای یاد می‌کند که لازم است، برای رفع خطر ابتلا به سوءفهم و جلوگیری از بدفهمی، مفسر به آن‌ها توجه کند. دغدغه اصلی هرمنوتیک روش‌شناختی «کشف مراد متکلم یا مؤلف» است. بنابراین، به این سؤالات می‌پردازد که با چه اصول و روش‌هایی باید متن را فهمید و قواعد استخراجی، استفهامی و تطبیقی آن کدام است؟ (واعظی، ۱۳۸۹: صص ۲۸-۲۷؛ اعرافی، ۱۳۹۵: صص ۲۳-۲۲ و ۳۸؛ خسروپناه، ۱۳۹۴: ص ۱۶۴؛ همو، ۱۳۹۲: صص ۱۰۸ و ۱۲۶-۱۲۵؛ شریفی، ۱۳۹۵: ص ۴۱۳؛ الهی‌راد، ۱۳۹۵: صص ۱۱-۱۰ و ۳۰)

در سنت اسلامی نیز، بخش معظمی از دانش سترگ و پرقدمت اصول فقه در مقام تحلیل و معرفی قواعد و اصول نظام‌مند روش تفسیر متن و دستیابی به برداشتی صحیح و متناسب با متون دینی است. مباحث بخش الفاظ دانش اصول فقه، که حدود نیمی از مباحث این دانش را به خود اختصاص داده است و به مباحث روش‌های ظهورگیری از الفاظ و اصول لفظیه، قواعد عام و خاص

1. Grounded Theory

۲. خرد در اینجا در مقابل نگاهی است که به دنبال کشف منظومه و نظریه از متن است. در واقع خرد به معنای فهم حداقلی است به گونه‌ای که فهم از متن دارای تناقض با متن نباشد.

و تخصیص، قواعد مطلق و مقید، مجمل و مبین و مباحث مفهوم‌گیری می‌پردازد، همگی با رسالت تنقیح و تبیین قواعد و روش‌هایی که برای فهم و کشف مراد متکلم نیاز است در دانش اصول فقه بحث و بررسی می‌شوند. از این رو، بسیاری از مباحث هرمنوتیکی روش‌شناختی از حیث روشی با مباحث الفاظ اصول فقه قابل انطباق است (واعظی، ۱۳۸۹: صص ۵۳-۵۲؛ همو، ۱۳۹۰: صص ۴۹-۵۰؛ اعرافی، ۱۳۹۵: صص ۲۶۵ و ۲۷۶-۲۷۰؛ طاهری، ۱۳۷۹: صص ۱۰۴-۹۴؛ الهی‌راد، ۱۳۹۵: صص ۲۳۵-۲۶۵).

«گفتمان» از جمله مفاهیم بسیار قریب به جریان است. اصطلاح گفتمان بیشتر مدیون نظریه‌پردازی‌های میشل فوکوست. گفتمان از دیدگاه فوکو، یک شیوه توصیف، تعریف، طبقه‌بندی و اندیشیدن درباره انسان‌ها، چیزها و حتی دانش و نظام‌های انتزاعی اندیشه است^۱ (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: صص ۲۲۰-۲۱۹). البته زمانی به مجموعه ایده‌ها، مفاهیم و باورهای مرتبط با یکدیگر گفتمان گفته می‌شود که به منزله جهان‌بینی مقبول در یک جامعه یا جمع رسمیت یابد و چارچوبی قدرتمند را برای فهم و عمل اجتماعی شکل دهد. در واقع گفتمان، زمانی گفتمان می‌شود که به اشتراک برسد. قدرت، چگونگی شکل‌گیری، مشروعیت‌یابی و تداوم آن و نیز اراده‌های معطوف به قدرت، محور توجه گفتمان است (سلطانی، ۱۳۸۳: صص ۱۵۵؛ ایمان، ۱۳۹۳: صص ۱۹۲-۱۹۱)؛ بنابراین، در این اصطلاح، گفتمان و قدرت پیوندی تنگاتنگ دارند.^۲

تحلیل گفتمان، به چگونگی ساخت معرفت و حقیقت در گفتمان و تأثیر روابط قدرت در گفتمان‌ها می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۵۹). وظیفه تحلیل گفتمان این است که ساختارهای گفتمان‌ها و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسی آن‌ها را ترسیم کند، نه اینکه بخواهد ارزش حقیقی این

۱. باید توجه داشت که واژه گفتمان و تحلیل گفتمان، از استقرار و اجماع معنایی برخوردار نیست، با این حال می‌توان به چارچوب‌های کلی آن - چنانچه آمد - اشاره کرد (فاضلی، ۱۳۸۳).

۲. از دیدگاه فوکو، گفتمان‌ها هرگز از روابط قدرت خالی نیستند. در واقع، برخلاف نگرش سنت انسان‌گرایانه، گفتمان‌ها را نمی‌توان فقط فرآورده ذهن خلاق و خودمختار بشری در نظر گرفت؛ بلکه باید گفت که گفتمان‌ها از روابط قدرت میان گروه‌هایی از آدم‌ها برمی‌خیزند؛ آدم‌هایی که خودشان این روابط را می‌سازند و تنظیم می‌کنند. بنابراین، قدرت و دانش متضمن یکدیگرند. هیچگونه رابطه قدرتی وجود ندارد که فاقد ساختار متناظر حوزه‌ای از دانش باشد. گفتمان‌ها، مجسم‌کننده معنا، ارتباط اجتماعی، شکل‌دهنده ذهنیت و تعاملات سیاسی یا قدرت‌اند. قدرت، که ابزار بنیادین ساخت در هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود، وجهی دوگانه دارد؛ یا بر زور استوار است یا بنیادی گفتمانی دارد. گفتمان آن وجه مشروع قدرت است که تداوم حیات آن را تضمین می‌کند. بنابراین، گفتمان اغلب ساختار دانش و قدرت را بازنمایی می‌کند. در نظر فوکو، گفتمان‌ها درباره موضوعات صحبت نمی‌کنند و هویت موضوعات را تعیین نمی‌کنند، بلکه خودشان سازنده موضوعات‌اند و البته در فرایند این سازندگی، مداخله خود را پنهان می‌کنند (اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: صص ۲۲۰؛ ایمان، ۱۳۹۳: صص ۱۹۳-۱۹۲؛ خسروپناه، ۱۳۹۴: صص ۲۳۰-۱۲۸).

گفتمان‌ها را با جست‌وجوی تطابق آن‌ها با یک واقعیت عینی ارزیابی کند. در واقع به جای تلاش برای ارزیابی صحت یک جهان‌بینی یا استدلال معین، وظیفه تحلیلگر، ترسیم خطوط یک گفتمان و بررسی دلالت‌های آن برای روابط قدرت است. تحلیل گفتمان به بررسی متن و زمینه می‌پردازد و در تلاش است تا دریابد هر جمله از متن چه تصویری از واقعیت را تداعی می‌کند (ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۹۸؛ اسمیت و رایلی، ۱۳۹۴: ص ۲۲۲).

روش تحلیل گفتمان به مثابه الگوی تحلیل داده‌های کیفی، به کلمه‌ها، جمله‌ها و مشخصه‌های زبانی یا به عبارت دیگر، بر شیوه کاربرد زبان به صورت انتقادی تمرکز می‌کند. اینکه زبان چگونه به کار می‌رود، برای چه به کار می‌رود، بسترهای کاربرد آن چه هستند و... پرسش‌هایی است که چارچوب روش تحلیل گفتمان را شکل می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۱۴۲). روش تحلیل گفتمان به دنبال انکشاف معنای مستتر در متون گفتاری و نوشتاری است. به عبارتی دیگر، در این روش، معنا صرفاً در متن و جملات و واژگان خلاصه نمی‌شود و پژوهشگر بیش از هر چیز باید به محتوا و معنایی که در میان سطور نهفته است، عنایت داشته باشد. در هر متن، تولیدکننده آن محتوا یا پیامی را با استفاده از دال‌ها و علائمی خاص تولید می‌کند و آن را از طریق خط ارتباطی به مخاطب می‌رساند. مخاطب نیز در عین حال به علائم دال‌ها و نشانه‌ها توجه می‌کند و پیام یا معنای در نظر گرفته شده را درک می‌کند (عقیلی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۷). براساس این روش، می‌توان پدیده‌های اجتماعی را براساس منظومه‌ای فکری بیان کرد که دارای دال مرکزی و دال‌های پیرامونی است. دال مرکزی رکن اصلی است و نباید آسیب ببیند و دال‌های پیرامونی به وسیله دال مرکزی معنا و تفسیر می‌شوند.^۱ آنچه باعث تمایز نظریه‌ها می‌شود، دال مرکزی است و دال مرکزی هر فرد، مشخص‌کننده گفتمان فردی اوست (خسروپناه، ۱۳۹۳: صص ۶۰۷-۶۰۶).^۲

روش تحلیل گفتمان می‌تواند، در جریان‌هایی که قدرت سیاسی-اجتماعی دارند، از حیث روش‌شناختی دو کاربرد پراهمیت داشته باشد: اولاً، براساس پارامتر قدرت، تا حد قابل قبولی، اصول و فروض-اعمالی و نه فقط اعلامی-آن‌ها را معرفی کند. ثانیاً، رابطه این نظام فکری را با متغیر قدرت شرح دهد.

۱. نقش گزاره‌های پایه و دال مرکزی به‌گونه‌ای است که حذف آن باعث تخریب علم می‌شود؛ همانند بازی شطرنج که نقش کلیدی را شاه و وزیر برعهده دارند و این دو نباید آسیب ببینند و سربازان همانند دال پیرامونی محافظ شاه و وزیرند.
۲. برای آشنایی با اصول نظری تحلیل گفتمان و فعالیت اساسی در این روش ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۱۴۵-۱۴۳؛ عقیلی، ۱۳۸۹.

«نظریه زمینه‌ای (بنیادی)» یا «نظریه پدیدار شده از واقعیت» از روش‌های کیفی پراهمیت در میان انواع روش‌شناسی کیفی است. نظریه زمینه‌ای، نظریه کلانی درباره روش تولید نظریه است. محقق می‌تواند براساس آن، به تولید یک تبیین عام (یک نظریه) از یک متن، فرایند، کنش یا تعامل اقدام کند. در این روش، محقق به‌طور مداوم میان تفکر استقرایی (ایجاد مفاهیم، مقولات و روابط میان آن‌ها) و تفکر قیاسی (آزمون مفاهیم، مقولات و روابط میان آن‌ها) در رفت و برگشت قرار می‌گیرد. بنابراین، نظریه زمینه‌ای کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی است که به‌طور منظم در فرایند تحقیق اجتماعی به‌دست آمده‌اند (ایمان، ۱۳۹۳: صص ۷۰-۶۹؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۱۴). محصول نهایی تحقیق با نظریه زمینه‌ای، یک صورت‌بندی نظری منسجم درباره بسترها، فرایندها و پیامدهای وجود یک پدیده، رویداد یا متن است (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۱۶).

نقطه قوت نظریه زمینه‌ای آن است که رویه‌های روشنی برای تحلیل داده‌های کیفی و تولید نظریه در تحقیق فراهم می‌سازد به‌گونه‌ای که ضمن انعطاف‌پذیری، نظام‌مند و هماهنگ است (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۴۵). اهمیت این روش، از یک سو به قابلیت آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی مربوط است. در واقع این روش، در عین آنکه داده‌های کیفی را تحلیل می‌کند، این تحلیل را به سوی ارائه و کشف یک نظریه هدایت می‌نماید. نظریه در این روش، از خارج بر تحقیق تحمیل نمی‌شود، بلکه خود در این روش متکی بر داده‌های اخذ شده، تولید می‌شود. به همین اعتبار، نظریه زمینه‌ای را نظریه داده‌مبنا یا نظریه پدیدار شده از تجربه نیز می‌نامند (ایمان، ۱۳۹۳: ص ۷۰).

ساخت نظریه مبتنی بر داده‌ها به معنای آن است که اکثر فرضیه‌ها و مفاهیم نه تنها از داده‌ها استخراج می‌شوند، بلکه در جریان تحقیق هم به‌طور نظام‌مند در ارتباط با داده‌ها قرار می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۳۱۴-۳۱۳). در فرایند ساخت این نظریه، داده‌های گردآوری شده در سه مرحله کدبندی شده و به هم متصل می‌شوند که عبارت‌اند از کدبندی باز، کدبندی محوری و کدبندی گزینشی یا انتخابی. نتیجه این فرایند سه مرحله‌ای، دست‌یابی به اشباع مفهومی و تولید نظریه است (محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۷۷).^۱

زمانی که نظام معنایی مشترک جریان دارای نظام یا نظامات فکری باشد، با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای، می‌توان از متون اصلی جریان به کشف و تولید آن اصول و فروض به‌صورت نظریه منسجم دست یافت.

۱. برای آشنایی با فرایند تحقیق در نظریه زمینه‌ای ر.ک: ایمان، ۱۳۹۳: صص ۹۴-۸۹؛ ایمان و محمدیان، ۱۳۸۷: صص ۳۹-۴۷.

بنابراین سه روش هرمنوتیکی و اصول فقهی، تحلیل گفتمان و نظریه زمینه‌ای، هر کدام متناسب با هدف خود، می‌توانند برای مطالعه نظام مشترک معنایی جریان، در جریان‌شناسی استفاده شوند.

۳-۵. روش مطالعات تطبیقی

مطالعه تطبیقی عبارت است از شناخت حداقل یک شیء (پدیدار یا دیدگاه) در پرتو مقایسه با شیء دیگر و بیان مواضع خلاف و وفاق آن‌ها (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۲۹۴). این روش، یکی از راه‌های نزدیک شدن به موضوع مطالعه و شیوه‌ای برای مرئی‌سازی جنبه‌هایی است که به صورت مستقل به چشم نمی‌آیند. زیربنای این روش، قاعده فلسفی معروف «الأشیاء قد تعرف باضدادها و مقابلاتها؛ اشیا گاهی به وسیله ضدها و مقابل‌های‌شان شناخته می‌شوند» است (ملاصدرا، ۱۳۸۷: ص ۲۵۲؛ سبزواری، ۱۳۷۹: ص ۴۱۴).

در این شیوه، شیء مطالعه شده با نمونه‌های مشابه آن مقایسه می‌شود تا از این طریق، جنبه‌های مختلف هر دو روشن گردد. بنابراین مطالعات تطبیقی، هر چند بیشتر یک جهت‌گیری در تحقیق است تا یک روش‌شناسی متمایز، اما نقش مهمی در همه‌جانبه‌نگری در شناخت دارد (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: ص ۲۹۵؛ پاکتچی، ۱۳۹۱: صص ۳۳ و ۳۵؛ ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۵۳؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۶۰).

تأکید اصلی تحقیقات تطبیقی بر تشابهات و تفاوت‌های میان واحدهاست (ایمان، ۱۳۹۳: ص ۱۵۳؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ص ۳۶۰). بنابراین، از پایه‌های اساسی این روش، انتخاب ملاک‌های مشخص برای سنجش است. در واقع در مطالعه تطبیقی، پرسش یا متغیری یکسان به دو شیء عرضه می‌شود و نسبت هر کدام از آن دو با متغیر مطالعه شده سنجیده می‌شود. این متغیر می‌تواند از یکی از دو شیء اخذ گردد یا به صورت بیرونی انتخاب شود. همچنین مسئله همسانی و در نتیجه ملاک تطبیق، در مطالعات تطبیقی، اهمیت بالایی دارد. همسانی زیربنای استفاده محقق از مفاهیم یا مقیاس‌های واحد برای مطالعه دو شیء متفاوت است.^۱

مطالعه تطبیقی در جریان‌شناسی کاربرد قابل اعتنا و فراوانی دارد. باتوجه به اصل هم‌معنایی کنش‌های اجتماعی، شناخت عمیق و تفصیلی بسیاری از جریان‌ها در گرو نسبت آن‌ها با یکدیگر

۱. چهار نوع عمده همسانی از این قرارند: ۱. همسانی واژگانی (پیدا کردن واژگان هم معنا)؛ ۲. همسانی زمینه‌ای (کاربرد درست اصطلاحات در بسترهای اجتماعی مختلف)؛ ۳. همسانی مفهومی (توانایی استفاده از یک مفهوم در فرهنگ‌ها یا ادوار تاریخی مختلف)؛ ۴. همسانی سنجشی (اندازه‌گیری یک مفهوم در محیط‌های مختلف) (ایمان، ۱۳۹۳: صص ۱۵۹-۱۵۸؛ محمدپور، ۱۳۹۲: صص ۳۶۵-۳۶۴).

است؛ از این رو هنگامی می‌توان یک جریان فرهنگی یا سیاسی را به‌طور کامل درک کرد و فهم مطابق با واقعیت از اصول و مبانی آن به‌دست آورد که اثرگذاری‌ها و اصول و مبانی آن را در تقابل با اثرگذاری‌ها و اصول و مبانی جریان رقیبش معنا کرد. بسیاری از اوقات، دلیل موضع‌گیری‌ها و راهبردهای اثرگذاری و تبلیغی و بیانیه‌های جریان‌ها، موضع‌گیری جریان رقیب آن‌هاست. بنابراین، نقش مطالعه تطبیقی در فرایند جریان‌شناسی غیرقابل انکار است.^۱

نتیجه‌گیری

از آنجاکه الگوی مطلوب مطالعه جریان‌های اجتماعی (جریان‌شناسی)، روشی تلفیقی و میان‌رشته‌ای است، از منابع، علوم و روش‌های مختلفی بهره می‌گیرد. این علوم، منابع و روش‌ها، هر کدام جایگاه مشخصی در فرایند مطالعه میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی برعهده دارند. مطابق این پژوهش، روش‌ها، علوم و منابع معرفتی لازم در جریان‌شناسی را به‌طورکلی می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی کرد: «بسته الگویی»، «بسته محتوایی» و «بسته روشی».

این منابع معرفتی، روش‌ها و علوم، و جایگاه اهمیت و نوع تأثیر آن‌ها در روش میان‌رشته‌ای جریان‌شناسی را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

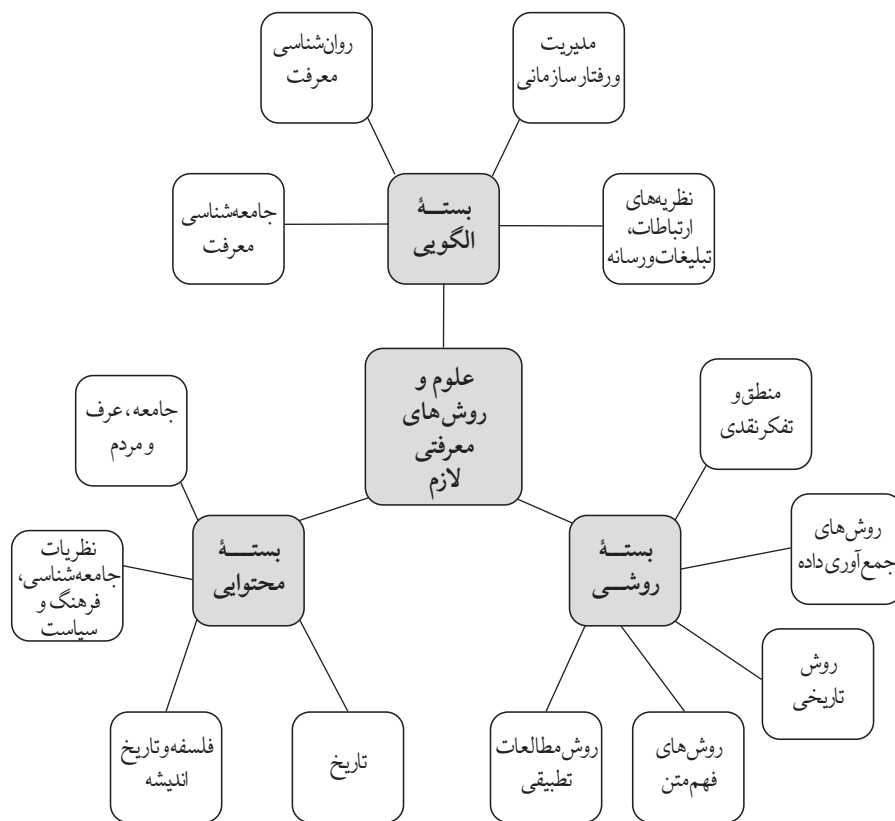
جدول ۲ - خلاصه بسته‌های معرفتی دخیل در جریان‌شناسی و جایگاه آن‌ها

بسته	دانش / روش	جایگاه و اهمیت و نوع تأثیر در روش جریان‌شناسی
بسته الگویی	جامعه‌شناسی معرفت	• ارتباطات میان نظام مشترک معنایی جریان و عوامل اجتماعی، محیطی و فرهنگی شکل‌دهنده و مؤثر بر آن
	روان‌شناسی معرفت	• ارتباط میان نظام مشترک معنایی جریان و متغیرهای روان‌شناختی
	مدیریت و رفتار سازمانی	• سبک‌های رهبری • شیوه‌های تعامل و ارتباط با محیط • عوامل مؤثر بر رفتار جمعیت جریان که منجر به اثرگذاری می‌شوند
	نظریه‌های ارتباطات، تبلیغات و رسانه	• شناسایی نظام ترویج و نوع فعالیت مروجان و مبلغان جریان‌ها و شیوه تبلیغاتی آنان • قدرت اثرگذاری

۱. برای اطلاع از فرایند مطالعه تطبیقی ر.ک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۲: صص ۳۱۴-۲۹۸.

جریان‌شناسی	تاریخ	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت افراد مرتبط با جریان، جغرافیای جریان و اثرات جریان (گزارش از انسان‌ها (جمعیت جریان و نیروی انسانی)، گزارش اتفاقات و تأثیرات (اثرگذاری و پویایی)، گزارش از نظرات، گفت‌وگوها، نامه‌ها، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و تفکرات (اصول و فروض و نظام معنایی مشترک)) • پیدا کردن روحیه و مذاق رویکرد تاریخی و دستیابی به نگاه یکپارچه به پدیده‌های زمان‌دار
	فلسفه و تاریخ اندیشه	<ul style="list-style-type: none"> • فهم عمیق اصول و فروض جریان‌ها • ذوق فکری و قرابت با هویت جریان‌های فکری • ایجاد ظرفیت برای مرحله شناخت اجمالی
	نظریه‌های جامعه‌شناسی، فرهنگ و سیاست	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت اصول جریان‌های سیاسی و فرهنگی • رهایی از نگاه بسیط به جامعه و چشیدن مزه پیچیدگی آن (قرابت به موضوع)
	جامعه، عرف و مردم	<ul style="list-style-type: none"> • منبعی اصلی و اساسی برای مطالعه اثرات جریان‌های روز جامعه
روش‌شناسی	منطق و تفکر نقدی	<ul style="list-style-type: none"> • شخصیت منطقی محقق • درک هویت سیستمی جریان و اصول و فروض آن
	روش‌های جمع‌آوری داده	<ul style="list-style-type: none"> • جمع‌آوری اطلاعات ذاتاً متفاوتی که منابع گوناگونی دارند براساس میان‌رشته‌گی بودن روش
	روش تاریخی	<ul style="list-style-type: none"> • نیازمندی منابع تاریخی به روش پژوهش در تاریخ
	روش‌های تحلیل داده‌های کیفی و فهم متن	<ul style="list-style-type: none"> • فهم جامع و منضبطی از داده‌های خام درباره نظام مشترک معنایی
	روش مطالعات تطبیقی	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت عمیق و تفصیلی جریان در مقایسه با جریان‌های رقیب باتوجه‌به اصل هم‌معنایی کنش‌های اجتماعی

از منظر روش‌شناختی، به‌طور خلاصه، می‌توان گفت جریان‌شناس با تسلط بر علوم «بسته‌الگوی»، و اشراف بر ابزارهای «بسته‌روشی»، سراغ منابع «بسته‌محتوایی» رفته، گزاره‌های معرفتی لازم جریان‌شناسی را استخراج می‌کند.



نمودار ۱۰ - معرفی شبکه‌ای علوم و روش‌های معرفتی مورد نیاز جریان‌شناسی

کتابنامه

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین. ۱۴۰۹ ه. ق. کفایة الأصول. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. چاپ اول.
۲. آرون، ریمون. ۱۳۸۶. مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ هشتم.
۳. ابراهیم پور، علی. ۱۳۹۷ الف. «بررسی تحلیلی نظریه های مطرح در مفهوم شناسی «جریان» و «جریان شناسی»». همایش بین المللی جریان شناسی فرهنگی در عرصه بین الملل. جامعه المصطفی. قم.
۴. _____ ۱۳۹۷ ب. «تحلیل عناصر و ابعاد حقیقت چندبعدی اجتماعی - معرفتی «جریان» به مثابه موضوع دانش جریان شناسی». همایش بین المللی جریان شناسی فرهنگی در عرصه بین الملل. جامعه المصطفی. قم.
۵. ابن سینا. ۱۴۰۴ ه. ق. الاهیات شفا. تصحیح سعید زاید. قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۶. ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدین. بی تا. معالم الدین و ملاذ المجتهدین. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ نهم.
۷. ازدری زاده، حسین. ۱۳۹۰. جامعه شناسی معرفت در قرآن. قم: مؤسسه امام خمینی. چاپ اول.
۸. استوتزل، ژان. ۱۳۷۴. روان شناسی اجتماعی. ترجمه علیمحمد کاردان. تهران: نشر دانشگاه تهران. چاپ ششم.
۹. اسکات، ریچارد. ۱۳۹۳. سیستم های عقلایی، طبیعی و باز. ترجمه دکتر حسن میرزایی اهرنجانی. تهران: سمت. چاپ هفتم.
۱۰. اسمیت، فیلیپ دانیل؛ رایلی، الگزنדר. ۱۳۹۴. نظریه فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی. چاپ اول.
۱۱. اعرافی، علیرضا. ۱۳۹۵. هرمنوتیک. قم: نشر اشراق و عرفان. چاپ اول.
۱۲. امام خمینی، روح الله. ۱۴۱۰ ه. ق. الرسائل. جلد ۲. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان. چاپ اول.
۱۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین. ۱۴۲۸ ه. ق. فرائد الأصول. جلد ۴. قم: مجمع الفکر الاسلامی. چاپ نهم.
۱۴. الوانی، سید مهدی. ۱۳۸۸. مدیریت عمومی. تهران: نشر نی. ویراست سوم. چاپ سی و هفتم.

۱۵. الهی‌راد، صفدر. ۱۳۹۵. *آشنایی با هرمنوتیک*. تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ اول.
۱۶. ایمان، محمدتقی. ۱۳۹۳. *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۱۷. ایمان، محمدتقی؛ محمدیان، منیژه. ۱۳۸۷. «روش‌شناسی نظریه‌ی بنیادی». فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. دوره ۱۴. شماره ۵۶.
۱۸. بارون، رابرت؛ برن، دان؛ برنسکامپ، نیلا. ۱۳۸۸. *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه یوسف کریمی. تهران: نشر روان. چاپ دوم.
۱۹. بدار، ژوزه دزیل؛ لامارش، لوک. ۱۳۹۲. *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حمزه گنجی. تهران: نشر ساوالان. چاپ دهم.
۲۰. برازو، ژاک. ۱۳۸۷. *دانش میان‌رشته‌ای و تحصیلات عالی*. ترجمه توحیده ملباشی. در کتاب: چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای. لیسلا لاتوکا و دیگران. ترجمه و تدوین سیدمحسن علوی‌پور و همکاران. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۲۱. پاکتچی، احمد. ۱۳۹۱. *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*. تهران: دانشگاه امام صادق(ع). چاپ اول.
۲۲. توسلی، غلامعباس. ۱۳۹۰. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت. چاپ هفدهم.
۲۳. توکل، محمد. ۱۳۷۰. *جامعه‌شناسی علم*. تهران: نص. چاپ اول.
۲۴. جعفریان، رسول. ۱۳۹۰. *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران*. تهران: نشر علم. چاپ اول.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. *رحیق مختوم*. جلد ۱. قم: نشر اسرا. چاپ سوم.
۲۶. _____ . ۱۳۸۷. *فلسفه صدررا*. جلد ۱. قم: نشر اسرا. چاپ اول.
۲۷. حاجیلو، حسین‌علی. ۱۳۸۳. «معرفی روش‌های تحلیل داده‌های کیفی با تأکید بر روش تحلیل محتوا». فصلنامه مدیریت فردا. شماره ۷ و ۸.
۲۸. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۹۲. «جریان‌شناسی تفریح من است!». ۱۳۹۲/۱۰/۱۴.
- مصاحبه با پایگاه علمی تحلیلی گذار. Gozaar.ir. (برداشت در مرداد ۱۳۹۳)
۲۹. _____ . ۱۳۹۲. *فلسفه علوم انسانی (بنیادهای نظری)*. قم: نشر تعلیم و تربیت اسلامی. چاپ اول.

۳۰. _____ ۱۳۹۳. در جست‌وجوی علوم انسانی اسلامی. جلد اول. قم: نشر معارف. چاپ اول.
۳۱. _____ ۱۳۹۴. روش‌شناسی علوم اجتماعی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. چاپ اول.
۳۲. خواص، امیر. ۱۳۹۳. درس‌نامه تفکر نقدی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). چاپ دوم.
۳۳. خورسندی طاسکوه، علی. ۱۳۹۶. گفتمان میان‌رشته‌ای دانش. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ دوم.
۳۴. رابینز، استیون. ۱۳۹۶. تئوری سازمان: ساختار و طرح سازمانی. ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد. تهران: انتشارات صفار. چاپ چهل‌وششم.
۳۵. رابینز، استیون؛ جاج، تیموتی. ۱۳۹۶. رفتار سازمانی. ترجمه مهدی زارع. تهران: انتشارات نص. چاپ هفتم.
۳۶. رپکو، آلن. ۱۳۹۶. پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فراین‌د. ترجمه محسن علوی‌پور، مجید کرمی، هدایت‌الله اعتمادی‌زاده‌دری‌کوندی و علی‌اکبر نورعلیوند. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ دوم.
۳۷. رضائیان، علی. ۱۳۸۴. اصول مدیریت. تهران: سمت. چاپ هفدهم.
۳۸. _____ ۱۳۸۷. مبانی مدیریت رفتار سازمانی. تهران: سمت. چاپ نهم.
۳۹. _____ ۱۳۹۵. مبانی سازمان و مدیریت. تهران: سمت. چاپ نوزدهم.
۴۰. رضوانی، روح‌الله. ۱۳۸۹. «تحلیل محتوا». دو فصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی. سال دوم. شماره اول.
۴۱. زرین‌کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۱. تاریخ در ترازو. تهران: امیرکبیر. چاپ هفتم.
۴۲. سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران. ۱۳۹۳. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ویراست دوم. چاپ پنجم.
۴۳. ساوی، زین‌الدین عمر بن سهلان. ۱۳۸۳ ش/۱۴۲۵ ق. البصائر النصیریة. تقدیم و تحقیق حسن مراغی. تهران: شمس تبریزی. چاپ اول.
۴۴. سبحانی تبریزی، جعفر. ۱۴۱۴ ه. ق. المحصول فی علم الأصول. جلد ۴. تقریرات محمود جلالی مازندرانی. قم: مؤسسه امام صادق. چاپ اول.
۴۵. سبزواری، ملاهادی. ۱۳۷۹ ب. شرح المنظومة. جلد ۵. تصحیح علامه حسن‌زاده. تهران:

- نشر ناب. چاپ اول (موجود در نرم‌افزار جامع حکمت اسلامی نور).
۴۶. ستوده، هدایت‌الله. ۱۳۹۲. روان‌شناسی اجتماعی. تهران: نشر آوای نور. چاپ شانزدهم.
۴۷. سجادی، محمدصادق؛ عالم‌زاده، هادی. ۱۳۸۹. تاریخ‌نگاری در اسلام. تهران: سمت. چاپ یازدهم.
۴۸. سلطانی، سیدعلی اصغر. ۱۳۸۳. تحلیل‌گفتمان به‌مثابه نظریه و روش. فصلنامه نشریه علوم سیاسی. زمستان. شماره ۲۸.
۴۹. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۵. روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. تهران: نشر آفتاب توسعه. چاپ اول.
۵۰. شفیعی، عباس؛ خدمتی، ابوطالب؛ آقاپیروز، علی. ۱۳۹۱. رفتار سازمانی با رویکرد اسلامی (سطح گروه). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سوم.
۵۱. صدر، محمد باقر. ۱۴۱۷ه.ق. بحوث فی علم الأصول. جلد ۷. تقریرات محمود هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دائرة معارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام. چاپ سوم.
۵۲. طاهری، سیدصدرالدین. ۱۳۷۹. «بررسی انتقادی و مقایسه اصول فقه اسلامی و بینش هرمنوتیکی». فصلنامه قبسات. دوره ۵، شماره ۱۷.
۵۳. عقلی، سیدوحید؛ لطفی حقیقت، امیر. ۱۳۸۹. «کاربرد روش تحلیل‌گفتمان در علوم رفتاری». فصلنامه دانشنامه. شماره ۱۲.
۵۴. علیدوست، ابوالقاسم. ۱۳۹۴. فقه و عرف. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ پنجم.
۵۵. علیزاده، عبدالرضا؛ اژدری‌زاده، حسین؛ کافی، مجید؛ زیرنظر توکل، محمد. ۱۳۸۵. جامعه‌شناسی معرفت (جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت‌های بشری). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۵۶. فاضلی، محمد. ۱۳۸۳. «گفتمان و تحلیل‌گفتمان انتقادی». پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی. شماره ۱۴.
۵۷. فرامرر قراملکی، احد. ۱۳۹۲. روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی. چاپ هشتم.
۵۸. فرامرر قراملکی، احد؛ سیاری، سعیده. ۱۳۸۹. مطالعات میان‌رشته‌ای: مبانی و رهیافت‌ها. دو فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی. سال ۴۳. شماره ۲.

۵۹. فوردمن، رابرد و همکاران. ۱۳۸۷. پرسش از میان‌رشته‌گی. ترجمه ارکان شریفی. در کتاب: چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای. لیسالاتوکا و دیگران. ترجمه و تدوین سیدمحسن علوی‌پور و همکاران. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۶۰. قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود. ۱۳۸۳. شرح حکمة الاشراق. اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ اول.
۶۱. کار، ئی ایچ. ۱۳۸۷. تاریخ چیست؟ ترجمه حسن کامشاد. تهران: نشر خوارزمی. چاپ ششم.
۶۲. کازر، لوئیس؛ استر، نیکو؛ مجا، ولکر؛ مرتن، رابرت ک؛ مانهایم، کارل. ۱۳۸۹. جامعه‌شناسی معرفت (سیر تاریخی، نظریه‌ها و چشم‌اندازها). ترجمه جواد افشارکهن. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۶۳. کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد. ۱۳۹۱. نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی. چاپ پنجم.
۶۴. گلدمن، آلون. ۱۳۹۵. معرفت‌شناسی اجتماعی (از مجموعه دانش‌نامه فلسفه استنفورد). ترجمه مهدی رعنائی. تهران: نشر ققنوس. چاپ اول.
۶۵. گلوور، دیوید؛ استرابریج، شیلا؛ توکل، محمد. ۱۳۸۸. جامعه‌شناسی معرفت و علم. ترجمه شاپور بهیان، حامد حاجی‌حیدری، جمال محمدی، محمدرضا مهدوی‌زاده و حسن ملک. تهران: سمت. چاپ چهارم.
۶۶. مانهایم، کارل. ۱۳۸۰. ایدئولوژی و اتوپیا مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: سمت. چاپ اول.
۶۷. متین، منصور. ۱۳۸۸. تفکر میان‌رشته‌ای. قم: بوستان کتاب. چاپ اول.
۶۸. فرهنگ اصطلاحات میان‌رشته‌ای. قم: بوستان کتاب. چاپ اول.
۶۹. محمدپور، احمد. ۱۳۹۲. روش تحقیق کیفی ضدروش. دو جلد. تهران: جامعه‌شناسان. چاپ دوم.
۷۰. محمدپور، احمد. ۱۳۹۲. روش تحقیق کیفی ضدروش ۲. تهران: جامعه‌شناسان. چاپ دوم.
۷۱. مصباح‌یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱. شرح الاهیات شفا. جلد ۱. تحقیق و نگارش محمدباقر ملکیان. قم: مؤسسه امام خمینی.

۷۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۷۷ الف. مجموعه آثار. جلد ۵. قم و تهران: صدرا. چاپ هشتم
۷۳. _____ ۱۳۷۷ ب. مجموعه آثار. جلد ۷. قم و تهران: صدرا. چاپ هشتم
۷۴. مظفر، محمدرضا. ۱۴۳۳ ه.ق. المنطق. تعلیقه غلامرضا فیاضی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. چاپ نهم.
۷۵. مفتخری، حسین. ۱۳۹۳. مبانی علم تاریخ. تهران: سمت. چاپ چهارم.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۸ ه.ق. انوار الأصول. جلد ۳. تقریرات احمد قدسی. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب. چاپ دوم.
۷۷. ملاصدرا. ۱۹۸۱. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. جلد ۱. بیروت: دار احیاء التراث. چاپ سوم.
۷۸. _____ ۱۳۸۷. سه رسائل فلسفی. تصحیح سیدجلال آشتیانی. قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ سوم.
۷۹. ملانی توانی، علیرضا. ۱۳۹۰. درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. تهران: نشر نی. چاپ چهارم.
۸۰. ملکیان، مصطفی. ۱۳۷۳. تفکر نقدی. جزوه درس‌گفتار سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۷۳. دانلود از وبلاگ «bidgoli1371.blogfa.com»
۸۱. منادی، مرتضی. ۱۳۸۵. «روش تحلیل محتوای متن گفتاری و نوشتاری در علوم رفتاری و اجتماعی». فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی. دوره ۱۲. شماره ۴۸.
۸۲. مورن، جو. ۱۳۸۷. میان‌رشتگی. ترجمه داوود حاتمی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. چاپ اول.
۸۳. موسوی، آرش. ۱۳۹۰. درآمدی بر روان‌شناسی علم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۸۴. مولکی، مایکل. ۱۳۸۹. علم و جامعه‌شناسی معرفت. ترجمه حسین کچویان. تهران: نشر نی. چاپ سوم.
۸۵. مهدی‌زاده، سیدمحمد. ۱۳۹۳. نظریه‌های رسانه (اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی). تهران: انتشارات همشهری. چاپ چهارم.
۸۶. نائینی، محمد حسین. ۱۳۷۶. فوائد الأصول. جلد ۴. تقریرات محمد علی کاظمی خراسانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.
۸۷. نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد. ۱۳۷۵. شرح الاشارات و التنبیها. جلد ۱. قم: نشر

البلاغه. چاپ اول.

۸۸. واعظی، احمد. ۱۳۸۹. درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ ششم.

۸۹. _____ . ۱۳۹۰. نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.

۹۰. وینسنت، اندرو. ۱۳۹۵. نظریه‌های دولت. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی، تهران. چاپ یازدهم.

۹۱. یوسفزاده، حسن؛ اسلامی‌تنها، اصغر؛ غمامی، سیدمحمدعلی. ۱۳۹۴. درآمدی بر ارتباطات جمعی از منظر اسلامی: الگوی رسانه مطلوب. قم: مؤسسه امام خمینی. چاپ اول.